

الحسین
مجموعه اشعار و مراثی ایام محرم و صفر

بسم الله الرحمن الرحیم

حب الحسين علیه السلام

نویسنده:

حسین محبی

ناشر چاپی:

کتابسرای سلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حب الحسين علیه السلام

مشخصات کتاب

.Your browser does not support the audio tag

گردآورنده: حسین محبی

مجری تولید: کتابسرای سلام

سال و نوبت چاپ: اول/ پاییز ۱۳۹۰

صفحات/ قطع: ۱۶۰/ جیبی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بهاء: ۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

اصفهـــان، خیـــابان سجـــاد، گلستان شهـــدا

مجتمع فرهنگی ستارگان، فروشگاه فطرس

محبی ۰۹۱۳۲۱۰۷۹۳۸ _ ۶۶۲۷۳۹۲ _ ۰۳۱۱

www.fotros.in

ص: ۱

مقدمه

ص: ۲

ص: ۸

.Your browser does not support the audio tag

چه زیباست از حسین سرودن، از حسین گفتن و از حسین شنیدن

کسی که خداوند خیر را برای او اراده کرده باشد در قلبش محبت امام حسین را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می اندازد و کسی که خداوند سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می اندازد.

وسائل الشیعه: ۱۴/۴۹۶، کامل الزیارات، مترجم، ۴۶۴

با سپاس و عنایت خاصه پروردگار و عنایت خاندان اهل بیت و با همکاری پدر بزرگوارم حاج احمد محبی و برادرم آقای محمد محبی این مجموعه که شامل نوحه های محرم و صفر می باشد تهیه شده است امید است ذاکرین اهل بیت بتوانند از این مجموعه در این دو ماه عزاداری به طوری که مورد قبول آقا امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف باشد استفاده کنند.

لب بسته ام ز هر چه به جز گفتگوی تو

دل شسته ام ز هر چه به جز نقش روی تو

گر بگذری به خاکم و گویی تو را که کشت

فریاد خیزد از کفنم آرزوی تو

التماس دعا

حسین محبی

ص: ۹

ارب_اب

.Your browser does not support the audio tag

چشم من افتاده بر گنبد و بارگاهت

آمده ام بگردم بدور قتلگاهت

عزیز زهرا حسین، عزیز زهرا حسین (۲)

چو نی، نوا گرفتم به نینوا رسیدم

باور نمی کنم من به کربلا رسیدم

منم که از عشق تو مجنونم ای حسین جان

آمده ام بگویم ممنونم ای حسین جان

بگو تو ای کربلا کو ماه و کو ستاره

بگو تو ای کربلا کو طفل شیرخواره

بگو تو ای کربلا شبه پیمبر کجاست

بگو تو ای کربلا علی اکبر کجاست

آمده ام ببینم خیمه آل هاشم

خواهد دلم بمیرد در حجله گاه قاسم

بگو تو ای کربلا کو عشق و احساس من

دستم بود به سینه کو دست عباس من

عزیز زهرا حسین، عزیز زهرا حسین (۲)

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۰

ایوان نجف

جانانه ای و من هم جان به کف تو هستم

باور نمی کنم من در نجف تو هستم

اگر چه رو سیاهم به سوی نور آمدم

من میهمان هستم و ز راه دور آمدم

جانم علی علی جانجانم علی علی جان

این باشد آرزویم ای همه آرزویم

تا آخرین نفس من علی علی بگویم

قسم به تار مویت به موی تو اسیرم

خواهد دلم علی جان من در حرم بمیرم

آمده ام به سویت از کوه و دشت و صحرا

بیا و کن نگاهم امشب به جان زهرا

امید سائل بود بر کرمت علی جان

نمی دهم بر بهشت من حَرمَت علی جان

جانم علی علی جانجانم علی علی جان

استاد سید محسن حسینی

چه مولای_ی

.Your browser does not support the audio tag

چه صحرایی، چه غوغایی، چه خیمه گه چه قتلگاهی

چه مولایی، چه آقایی، عجب امام کم سپاهی

چه کربلای پربلایی

عجب حریم باصفایی

حسین حسین حسین حسین جان

خدا داند خدا داند دلم برای تو چه تنگ است

سلام ما سلام ما به پرچمت که سرخ رنگ است

ز گُل، گِل تو دل رباید

که از تو بوی سیب آید

بگو با ما بگو ما حدیث تیغ و تیر و خنجر

زهریت کو، بریرت کو؟ چه شد حبیب و عون و جعفر

سلام ما به خیمه هایت

به آن ضَریح دل ربایت

بگو با ما، بگو با ما، ز لاله و شقایق و یاس

چه شد اکبر؟ چه شد اصغر؟ کجا فتاده دست عباس

بگو به ما ز آل هاشم

کجاست حجله گاه قاسم

حسین حسین حسین حسین جان

در این صحرا در این صحرا چگونه از فرات نوشم

هنوز آید هنوز آید صدای العطش بگوشم

سلام ما به اشک سقا

به چشم و دست و مشک سقا

استاد جواد هاشمی

ص: ۱۲

قبله معرفت

قبله ماه حرم توست حسین

چشم ما بر کرم توست، حسین

قبله معرفت و کعبه عشق

حرم محترم توست حسین

یاد تو، روشنی محفل ماست

فکر ما، ذکر غم توست حسین

ای شفابخش مسیحا نفسان

دم عیسی، زدم توست حسین

نار نیران و، بهشت موعود

شرح (لا) و (نعم) توست

هر چه در مدح تو و نهضت تو

همه گویند، کم توست حسین

هر کجا، بزم عزایی برپاست

خیمه گاه و حرم توست حسین

جان بقربان اباالفضل که گفت:

کم ما و کرم توست حسین

آری، اسباب شفاعت فردا

دست صاحب علم توست حسین

(آصفی) منت گــردون نکشد

تا ز خیل خدم توست حسین

استاد مهدی آصفی

عرض ارادت

ای که نور مهر و ماهی دوستت دارم حسین

مظهر لطف الهی دوستت دارم حسین

هستی ما را خدا با مهر تو پیوسته است

گر بخواهی یا نخواهی دوستت دارم حسین

تا شنیدم: دوست می داری غلام خویش را

با وجود روسیاهی دوستت دارم حسین

هر کجا نام تو آید می رود تاب از کفم

من چه گویم خود گواهی دوستت دارم حسین

گر بخوانی با کلامی، در رهت جان می دهم

ور برانی با نگاهی دوستت دارم حسین

ای که خواندت رَحمه للعالمین، فلک نجات

شرمگین از هر گناهی دوستت دارم حسین

کرده ام با هر زبانی بر جلالت اعتراف

گفته ام در هر نگاهی دوستت دارم حسین

باز هم گوید (مؤید) با لسان نارسا

گر بخواهی یا نخواهی دوست دارم حسین

استاد سید رضا مؤید

دلداده عباس علیه اسلام و حسین علیه اسلام

.Your browser does not support the audio tag

عمریست که من محرم این حج و منایم

بین دو بهشت است همه سعی و صفایم

آواره بین الحرمینم

دیوانه ی عباس و حسینم

مظلوم حسین جان

دو باغ جهان را به خدا زینت و زین است

یک باغ ابوالفضل و یکی باغ حسین است

با اشک بر آن خاک نوشتم

اینجاست گلستان بهشتم

مظلوم حسین جان

بین الحرمین یک طرفش علقمه دارد

آن جا که مقامی پسر فاطمه دارد

آنجاست مقام و حرم او

من بوسه زنم بر قدم او

مظلوم حسین جان

هرگاه شب جمعه رسد فاطمه آنجاست

گه گریه او بهر حسین گاه به سقاست

قدسی نفسان زمزمه دارند

گریه ز غم فاطمه دارند

مظلوم حسین جان

استاد سید هاشم وفایی

ص: ۱۵

زمزمه سیاه پوشان عزای حسینی علیه اسلام

.Your browser does not support the audio tag

ای ناله ی غربتت به گوشم

ای بار مصیبت به دوشم

آغاز محرمت رسیده

باید ز غمت سیه بپوشم

مظلوم حسین حسین حسین جان

این رخت سیه به پیکر من

ارث پدر است و مادر من

این سینه سرخ و رخت نیلی

این اشک دو دیده تر من

مظلوم حسین حسین حسین جان

ای اهل عزا محرم آمد

دیدار هلال ماتم آمد

باید همگی سیه بپوشیم

هنگامه گریه و غم آمد

مظلوم حسین حسین حسین جان

این ماه عزاست ایهاالناس

نیلی شده صورت گل یاس

خون موج زند ز فرق اکبر

افتد ز بدن دو دست عباس

مظلوم حسین حسین حسین جان

دلها ز شرار غم کباب است

بر چرخ صدای آب آب است

در دست سکینه جام خالی

خجلت زده از علی، رباب است

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۶

سیاه پوش_ان

امشب به فلک رود خروشم

آوای عزا رسد بگوشم

افتاده به سینه جنب و جوشم

تا پیرهن سیه بپوشم

من سینه زن حسین هستم

در حلق_ه ماتمش نشستم

مظلوم حسین حسین حسین جان

خون دل مادَمِ حسین است

تنها غم ما غم حسین است

این ماه محرم حسین است

هنگامه ماتم حسین است

ما گریه و اشک و آه داریم

ما پیرهن سیاه داریم

هنگام عزا فرا رسیده

سرو قد مصطفی خمیده

رنگ از رخ فاطمه پریده

سرها شود از بدن بریده

این ماه ع_زاست ایهاالناس

افتد ز بدن دو دست عباس

یا فاطمه رو به کربلا کن

امشب به حسین خود دعا کن

یاد سر از بدن جدا کن

در مقتل خون خود خدا کن

کن گریه برای نور عینت

لب تشنه فدا شود حسینت

در سینه نفس شده شراره

انگار که می کند نظاره

بر حنجر طفل شیرخواره

گرید به گلوی پاره پاره

ماه عطش و قح_ط آب است

شرمنده ز اصغرت رباب است

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص_احب ح_رم

صاحب حرم هستم، از حرم شدم بیرون

کعبه ام بود این جا حج من میان خون

من یوسف زهرایم، سرگشته به صحرایم

بر مشام جان آید بوی غم و تنهایی

خیمه من و یاران گردیده تماشایی

می دهم در این وادی از کف همه هستم

خنده می زند این جا شش ماهه روی دستم

می شود در این صحرا پرپر همه گلهایم

می زند لب زینب گل بوسه به لبهایم

من یوسف زهرایم، سرگشته به صحرایم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۸

عجب کربلایی

.Your browser does not support the audio tag

چه مروه چه صفایی، چه مشعر چه منایی

چه کعبه چه خلیلی، چه ذکر چه دعایی

عجب شور و نوایی

عجب ک_ربب___لایی

به لب زمزمه آمد، گل فاطمه آمد

بگو ماه نتابد، مه علقمه آمد

بود دیده مادر، به گهواره اصغر

همه سر خوش و مستند، ز بوی علی اکبر

نماند گل احمر، نماند می و ساغر

جدایی فتد این جا، میان دل و دلبر

شود با غم و ناله، خزانی گل لاله

شد آماده سیلی، رخ طفل سه ساله

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۹

زبان حال ورودیه

.Your browser does not support the audio tag

دل شده پر از غم، من و اشک نم نم

می رسد دمادم، بر گوش من بانگ درائی

نینوا بگوید، کربلا بگوید

دل ما بگوید، حسین شده کربلایی

اینجا بنی هاشم همه بر پا ستاده

تا آن که از محمل شود زینب پیاده

مظلوم حسین مظلوم حسین مظلوم حسین جان

شده دشت و هامون، به نوا و محزون

در فضای گردون، پیچیده بوی عطر لاله

همه غرق احساس، آمده گل یاس

روی دست عباس، خوابیده زهرای سه ساله

این قافله یک قافله ستاره دارد

این کاروان در کاروان گهواره دارد

مظلوم حسین مظلوم حسین مظلوم حسین جان

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۰

طلوع ماه محـرم

دل پر از غم شده، ماه ماتم شده

شور محشر بپا یا محرم شده

یا حسین یا حسینیا حسین یا حسین

ای هلال عزا خون به دل کرده ای

گریه و ناله و ماتم آورده ای

از زمین و سماء آید این زمزمه

تسلیت فاطمه، تسلیت فاطمه

ماه فریاد و خون ماه اشک و عزاست

خون جگر فاطمه، نوحه گر مرتضی است

در همین مه کند حضرت فاطمه

گریه در قتلگاه، ناله در علقمه

یا حسین یا حسینیا حسین یا حسین

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۲۱

چشم باغب_ان

.Your browser does not support the audio tag

خون شد چشم ترم، سوزد بال و پرم

چون که صاحب حرم شد بیرون از حرم

واویلا واویلاواویلا واویلا

دور از چشم همه می کند زمزمه

کرببلا منم یوسف فاطمه

دل به شور و نواست، کعبه ام کربلاست

حرم و قتلگه مروه است و صفا

آوردم اصغرم قاسم و اکبرم

همره من بود سه ساله دخترم

ای کربلا بدان گلها گردد خزان

این جا خون می چکد از چشم باغبان

واویلا واویلاواویلا واویلا

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۲۲

زیارتگ_ه ما

یاران باوفای من کربلا اینجاست

مروه من صفای من نینوان اینجاست

کربلا اینجاست نینوا اینجاست

در این زمین پرپر شود لاله یاسم

می گردد از پیکر جدا دست عباسم

گودال قتلگاه من در همین صحراست

زوار جسم بی سرم مادرم زهراست

این جا به خون غلطد تن شبه پیغمبر

اینجا چو گل پرپر شود پیکر اکبر

این جا شود هفتاد و دو لاله ام پرپر

این جا زیارتگاه ماست تا صف محشر

کربلا اینجاست نینوا اینجاست

استاد حاج غلامرضا سازگار

زبان حال ورودیه

در کربلا یک کاروان دل آمد

این کاروان منزل به منزل آمد

ماه و ستاره آمده، یک شیرخواره آمده

مظلوم حسین جان

غم در دل زینب گرفته خانه

ریزد ز چشمم اشک دانه دانه

آمد امام عالمین، کربلایی شد حسین

مظلوم حسین جان

آمد خداوند وفا و احساس

هر خیمه باشد مست بوی عباس

ش_د پیمب_ر آمده، عل___ی اکب___ر آمده

همراه خود طفل سه ساله دارد

این کاروان یک باغ لاله دارد

دور از تمام های و هوی، خوابیده بر دست عمو

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۴

محمل زینب سلام الله علیها

.Your browser does not support the audio tag

خون دل ریزد از چشم گردون

صاحب حرم شد از حرم بیرون

مظلوم حسین جان مظلوم حسین جان

در سینه دارم هم چون نوایی

یوسف زهرا شد کربلایی

دارد تماشا محمل زینب

غم خانه کرده در دل زینب

شبه پیغمبر دیدنی باشد

علی اکبر دیدنی باشد

جلوه گر شد ما بنی هاشم

آمده عون و جعفر و قاسم

شور و آواز و زمزمه آید

سقا به سوی علقمه آید

کاروان دارد ماه و ستاره

می خندد طفلی در گاهواره

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۵

زبان حال حضرت مسلم علیه السلام – مهمان سرگردان

.Your browser does not support the audio tag

ای قبله من روی تو، از مکه آید بوی تو

ای بر شب تارم ستاره، رفتم سردار العماره

حسین من میا به کوفه (۲)

مهمان سرگردان منم، اَشکم چکد بر دامنم

باشد سرم بر در و دیوار، می روم به سوی بازار

از خون هم رنگم زدند، در کوچه ها سنگم زدند

مردم ز تنهایی حسین جان، هستم تماشای حسین جان

قربان اشک و ناله ات، مَیا تو با سه ساله ات

بر دختر خود کن نظاره، وا کن ز گوشش گوشواره

صحبت ز گاهواره بود، صحبت ز شیرخواره بود

هم چون کمان خمیده ام من، تیر سه شعبه دیده ام من

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۶

نوحه حضرت مسلم علیه السلام – نماز آخر

.Your browser does not support the audio tag

تنها و بی قرارم خریداری ندارم

طناب دار کوفه باشد چشم انتظارم

کوفه میا حسین جان (۲)

در تاب و در تبم من، دیگر جان بر لبم من

در کوچه های کوفه، به یاد زینبم من

تنها در کوفه ماندم، از دیده خون فشاندم

نماز آخرم را، با دست بسته خواندم

مستم مستم ز جامت، تو مولا من غلامت

از روی بام کوفه، من می کنم سلامت

دل من بی تو تنگ است، از خونم چهره رنگ است

از من بگو به زینب، بر بام کوفه سنگ است

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۷

وحه حضرت حُر علیه السلام – خیمه زینب

من سوی تو رو آورده ام، من آبرو آورده ام

پناه عالم بی پناهم، عزیز زهرا کن نگاهم

مظلوم حسین مظلوم حسین جان

ای دلربا ای نازنین، حر پشیمان را ببین

از روی تو شرمنده ام من، سر را به زیر افکنده ام من

ای نور چشم شرمنده ام، سر را به زیر افکنده ام

می بوسم از پا تا سر تو، دستم گرفته مادر تو

دل در خروش و در نواست، خیمه زینبت کجاست

از او خجالت زده هستم، من دل زینب را شکستم

ص: ۲۸

نوحه حضرت حُر علیه السلام – خجالت زده

Your browser does not support the audio tag.

پسر فاطمه من یار توام، من همان حُر گنه کار توام

خون شد از غصه دلم، ز تو مولا خجلم

تا بود جان به تنم، ز تو شرمنده منم

آمدم توبه کنم در حرمت، به فدای تو و لطف و کرمت

تو امید همه ای، پسر فاطمه ای

آمدم فُطرس این در گردم، دور گهواره اصغر گردم

من و خاک قدمت، تو و لطف و کرمت

گره بسته حُر را واکن، حکم سربازی من امضاء کن

این تو و این سر من، غرق خون پیکرم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۲۹

نوحه حضرت حُر علیه السلام – گرفتار حسین

ای لشگر کفار منم حُر ولایت

با نور ولایت شدم امروز هدایت

من یار حسینم، گرفتار حسینم

قربان حسین ابن علی بوده و هستم

بگرفت از اول کرم فاطمه دستم

داده پسر شیر خدا اذن نبردم

تا دور سر حضرت عباس بگردم

ای مردم کوفه جگر آب کباب است

لب تشنه تر از اهل حرم طفل رباب است

من خاک قدم های علمدار حسینم

جانم به سر دست و خریدار حسینم

من یار حسینم گرفتار حسینم

استاد حاج غلامرضا سازگار

نوحه حضرت حُر علیه السلام– توب_ه

حُرّ آزاده ام مست مینای عشق

جان و سر می دهم هدیه در پای عشق

عشق من باشد این مرد تنها حسین

یا حسین یا حسین۴))

راه تو بستم ای نور چشم بتول

توبه کردم کنون توبه ام کن قبول

جان بقربان تو گل زهرا حسین

یا حسین یا حسین۴))

قسمت می دهم به جان آب آورت

من خجل هستم از گریه آن خواهرت

چشمم از گریه شد عین دریا حسین

اذن جنگم بده تا که فدایت شوم

اولین کشته کرببلایت شوم

جان ناقابلم بهر مولا حسین

یا حسین یا حسین۴))

استاد شریفی

نوحه حضرت حُر علیه السلام – پروان_ه

رو سیاهم حسین، بی پناهم حسین

چه شود گر که کنی، یک نگاهم حسین

حر پشیمانم، مولا حسین جانم

تا که من زنده ام، از تو شرمنده ام

کن تماشا ببین، من سرافکنده ام

ای امید همه، می کنم زمزمه

من خطاکارم ای یوسف فاطمه

ای طبیب دردم، بر تو رو آوردم

مانند پروانه، دور تو می گردم

نور چشم ترم، سوزد بال و پرم

به امید آمدم، تو مران از درم

حر پشیمانم، مولا حسین جانم

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت حُر علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

یابن الزهرا کن نگاهم

بی پناهم بی پناهم

ماه عالم آرا ببین

روسیاهم روسیاهم

آمد به لب جانم حسین

حُرِ پشیمانم حسین

جانم حسین جانم حسین (۲)

دل به تو می بندم حسین

سر به زیر افکندم حسین

گر کنی بر من یک نگاه

مثل گل می خندم حسین

ای گل گم از خار توام

عبدو گرفتار توام

جانم حسین جانم حسین (۲)

دل من در شور و نواست

سینه ام با غم آشناست

جان زینب با من بگو

خیمه زینب در کجاست

من راه او را بسته ام

من دل او شکسته ام

جانم حسین جانم حسین (۲)

استاد سید محسن حسینی

ص: ۳۳

نوحه حضرت قاسم علیه السلام – یتیم مکن

.Your browser does not support the audio tag

عمو اعضای من را ز هم گسستند بیا بیا

به هوای صدای سینه شکستن بیا بیا

عمو بابا ندارم تو بیا در کنارم

به خدا شد خزانی بهار قاسم عمو عمو

پدری کن بیا و کنار قاسم عمو عمو

ببین دشمن چه کرده با بدن من چرا چرا؟

بگو پیراهن من شد کفن من چرا چرا؟

عمو جان به میدان گرم ستیزی بیا بیا

دیگر از پیکر من نمانده چیزی بیا بیا

عمو در جسم قاسم نمانده تابی خدا خدا

بگو گلچین، گل من نخورده آبی چرا چرا

به خاك و خون طَپیده پیکر قاسم عمو عمو

چه بلایی رسیده بر سر قاسم عمو عمو

عمو بابا ندارمتو بیا در کنارم

ص: ۳۴

نوحه حضرت قاسم علیه السلام – اذن جهاد

قاسم تو عازم میدان شده، عازم جانبازی جانان شده

سیر از این عالم امکان شده، اذن جهادم بده ای عمو ای عمو

زود مرادم بده ای عمو ای عمو

جان عمو قلب من آمده به تنگ، هیچ نخواهم که نمایم درنگ

بعد علی زندگیم گشته ننگ، اذن جهادم بده ای عمو ای عمو

جان عمو بعد علی اکبرت، از پس مرگ علی اصغرت

عازم جنگم که روم از برت، اذن جهادم بده ای عمو ای عمو

نوحه حضرت قاسم علیه السلام – حجله گاه

شده فصل خزانم، عطش برده توانم

بیا ببین عموجان، شکسته استخوانم

گل یاسمنم من یتیم حسنم من

عدو بسته ره من به سویت نگه من

ببین خاک بیابان شده حجله گه من

چو گل تشنه آبم ببین در تب و تابم

ولیکن ز سم اسب گرفته شد گلابم

یتیمم من و دل تنگ ز خون شد رخ من رَنگ

به جای نقل شادی، ببارد به سرم سنگ

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – شکسته پر

ای اکبر جوانم

کردی هم چون کمانم

خواهم که خیزم از جا

اما نمی توانم

علی علی علی جان

بشکسته ای پرم را

سوزانده ی جگرم را

رفته نور نگاهم

گم کرده ام حرم را

رویت ماه منیرم

بر گیسویت اسیرم

اگر نیاید عمه

از داغ تو بمیرم

در شور و در نوایم

کردی از غم دو تایم

حالم دارد تماشا

من محتاج عصایم

علی علی علی جان

ص: ۳۷

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – صدای مؤذن

.Your browser does not support the audio tag

از خیمه بیرون آمد شبه رسول الله

به دست او ششمیر علی ولی الله

زینب تماشا کن ببین این قد و بالا را

بر قامت اکبر بخوان انا فتحنا را

ای شبه پیغمبر، بابا علی اکبر

ای عمر من عمر من شد بسته بر مویی

چرا مؤذن دیگر اذان نمی گویی

هر چه صدایت می زنم تو بسته ای لب را

یا می کشی اینجا تو من را یا که بابا را

ای شبه پیغمبر، بابا علی اکبر

شدی تو ارباً ارباً ای یوسف لیلا

جایی برای بوسه نمی کنی پیدا

ای چلچراغ خیمه ها در حال سوسویی

ای یاس من هر برگ تو افتاده هر سویی

ای شبه پیغمبر، بابا علی اکبر

استاد سید محسن حسینی

ص: ۳۸

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – جوانان بنی هاشم

جوانان بنی هاشم بیائید از حرم بیرون

ز خون اکبرم گشته زمین کربلا گلگون

واویلا آه و واویلا، شده پرپر گل لیلا

من آن خونین جگر هستم که چشم از زندگی بستم

خداوندا خداوندا جوانم رفته از دستم

دو ماتم بر دلم مانده دو آتش بر جگر دارم

یکی داغ علی اکبر یکی داغ علمدارم

واویلا آه و واویلا، شده پرپر گل لیلا

گهی هوشم رود از سر گهی زخمم رسد بر دل

گهی از گریه زینب گهی از خنده قاتل

علی فرقش دو تا گشته علی از ما جدا گشته

علی صورت ز خون شسته علی عطشان فدا گشته

واویلا آه و واویلا، شده پرپر گل لیلا

استاد حاج غلام رضا سازگار

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – ماه کنعان

سرو بستانم می رود، ماه کنعانم می رود

می رود نور از چشمان من، نور چشمانم می رود

آینه و قرآن کجاست، لیلای سرگردان کجاست

بابا علی اکبرم، بابا علی اکبرم

یوسف کرببلایی، شبه ختم الانبیایی

از تماشایت پسرم، شده ام من تماشایی

آینه پیغمبری، جان حرم را می بری

بابا علی اکبرم، بابا علی اکبرم

ای کمان ابرو اکبرم، سلسله گیسو اکبرم

آمدم من به سوی تو، با سر زانو اکبرم

ای یاس خوشبوی حرم، مرا ببر سوی حرم

بابا علی اکبرم، بابا علی اکبرم

استاد سید محسن حسینی

حضرت علی اکبر علیه السلام – ماه محرم

.Your browser does not support the audio tag

آینه و قرآن کجاست

لیلای سرگردان کجاست

در خون نشسته اکبر (۲)

با تیر آه خود نشانم کرده ای

ای بهتر از جان نیمه جانم کرده ای

ماه کمان ابرو کمانم کرده ای

خیز و ببین عمه گرفته دست من

ای اکبرمای اکبرمای اکبرم

ای شام قدرم موی تو

از خیمه آیم سوی تو

آینه پیغمبر (۲)

دیدی که تو با من چها کردی علی

دیدی چه بر روز من آوردی علی

خواهم در آغوشت کشم ای لاله ام

ترسم که تو پاشیده تر گردی علی

ای اکبرمای اکبرمای اکبرم

ای شمع خاموشم علی

کردی فراموشم علی

به پیش چشم لشگر

از من نمی دانم چرا دل کنده ای

بابا چرا من را ز پا افکنده ای

چشمان خود وا کن تسلا کن مرا

حرفی بزن تا من بدانم زنده ای

استاد سید محسن حسینی

ص: ۴۱

حضرت علی اکبر علیه السلام – یوسف لیلا

آمد به میدان شبه پیغمبر

بهر تماشا صف بسته لشگر

ای گل پرپر، ای علی اکبر

لاله چیده دیدن ندارد

آنقدر از تو بوسه می گیرم

با که گویم من یوسف لیلا

هم چو گیسویت من پریشانم

داغ تو بود و هستم گرفته

جوان لیلا کردی تو پیرم

سرو خمیده دیدن ندارد

یا که می سوزم یا که می میرم

به پیش چشمم شد ارباً اربا

تو دادی جان و من نیمه جانم

عمه ات زینب دستم گرفته

بعد تو من از این جهان سیرم

ای گل پرپر، ای علی اکبر

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – م_اه ب_در

لاله باغ مرا تشنه لب چیدند

هم گل را چیده هم بر من خندیدند

ای مسیحایم بشنو آوایم کن تماشایم

ای علی جانم

هم چو گیسویت دل من شده پر خون

شده لیلا از غم داغ تو مجنون

روی زیبایت بود ماه بدر من

گیسوی خم در خمت شب قدر من

گه ز لب گه از رخت بوسه می گیرم

گر نیاید عمه ات این جا بمیرم

ماه دل آرایوسف لیلا افتادم از پا

ای علی جانم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – خنده به داغ

غم از حد شده بیرون، دلم گشته پر از خون

ز جا خیز که لیلا، ز داغت شده مجنون

تویی لاله پرپـــر

تویی شبه پیمبر

غم آمد به سراغم، خزانی شده باغم

بنالم من و قاتل، زند خنده به داغم

ز جان بعد تو سیرم، غمت کرده اسیرم

اگر عمه نیاید، کنار تو بمیرم

بسوزد جگر از تو، منم باخبر از تو

تویی تشنه و بابا، بود تشنه تر از تو

شده فصل خزانت، به لب آمده جانت

ز جا خیز و اذان گو، به قربانت اذانت

تویی لاله پرپر

تویی شبه پیمبر

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – گل صد برگ

.Your browser does not support the audio tag

آرام جان من، میدان رود اکبر

آیینه و قرآن، بیاور ای خواهر

بابا را دوای دردی

الله اکبر الله اکبر

می ترسم که برنگردی

اذان بگو اکبر (۴)

نمی دهد جانا، چرا جوابم را

بگو چه گویم من، جواب لیلا را

رحم بر چشم ترم کن

الله اکبر الله اکبر

فرزند منی کرم کن

اذان بگو اکبر (۴)

اگر پسر روزی آب از پدر خواهد

چه سازد آن بابا که تشنه تر باشد

مردم اکبر از خجالت

الله اکبر الله اکبر

می دیدم خشکیده کامت

اذان بگو اکبر (۴)

اگر که جان داری، پلکی بزن برهم

تو زنده ای یا نه، سخن بگو یک دم

لشگر کف زنان کنارم

الله اکبر الله اکبر

می خندد به روزگارم

اذان بگو اکبر (۴)

استاد سعید خرازی

ص: ۴۴

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – رشته تسبیح

ای ضیاء بصرم پسرم ای پسرم

با سکوت تو شده پاره پاره جگرم

من که با چشم ترم از لب خشکت خجلم

خنده ی قاتل تو می زند آتش به دلم

پسرم ای پسرم، لب گشا من پدرم

عمه آمد ز حرم کمکم کن پسرم

تن صد چاک تو را یا که او را ببرم

دیده بگشا و بگو دور پدر صف نزنند

بگذارند که من گریه کنم کف نزنند

پسرم ای پسرم، لب گشا من پدرم

کردم ای اهل حرم مرگ خود را احساس

یاریم کن قاسم کمکم کن عباس

به سرشک من و زخم تن اکبر نگرید

گل پرپر شده ام را سوی خیمه ببرید

پسرم ای پسرم، لب گشا من پدرم

تا ببینی که هنوز زنده ای در نظرم

چشم خود باز کن و دست و پا زن پسرم

نتوان گفت چه آورده عدو بر سر تو

پاره چون رشته تسبیح شده پیکر تو

پسرم ای پسرم، لب گشا من پدرم

استاد حاج غلام رضا سازگار

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – ای گل پرپر

ماه تابان حرم

اِی جگر گوشه من

کن تکلم پسرم

تو مسوزان جگرم

پدرت سوی تو ای سلسله گیسو آمد

تا کنار بدنت با سر زانو آمد

ای گل پرپر من، ای علی اکبر من

من سراپا دردم

رفته نور نگهم

هر طرف می گردم

خیمه را گم کردم

چه شود لب بگشایی و توانم بدهی

یا ز جا خیزی و ره را تو نشانم بدهی

ای گل پرپر من، ای علی اکبر من

دَر دل دلم جا داری

تو ز سر تا بقدم

چشم زیبا داری

بوی زهرا داری

روی تو ماه شب و گیسوی تو خم به خم است

هم چو گل ای پسرم عمر تو کوتاه و خم است

ای گل پرپر من، ای علی اکبر من

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – گل بوسه

می روی از حرم لاله احمرم

تشنه هستی و من از تو تشنه ترم

شبه پیغمبرم ای علی اکبرم

ماه کنعان من نور چشمان من

دیده بگشا ببین قد کمان من

شبیه طاهایی یوسف لیلایی

از تماشای تو شدم تماشایی

ای گل چیده ام سرو خمیده ام

خنده قاتل زند بر اشک دیده ام

از غمت می میرم ای ماه منیرم

از لب خشک تو گل بوسه می گیرم

شبه پیغمبرمای علی اکبرم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – جانم علی

ای ماه کنعانم علی، ای بهتر از جانم علی

تو می روی به سوی میدان

زنها به سر گرفته قرآن

علی علی علی اکبر (۲)

ای شبه ختم الانبیاء، مؤذن کرببلا

اذان بگو یک بار دیگر

اکبر بگو الله اکبر

علی علی علی اکبر (۲)

ماه دل آرایی علی، هستی تماشایی علی

تو یوسف کرببلایی

یا آن که ختم الانبیایی

علی علی علی اکبر (۲)

خیز و ببین ای پسرم، آتش زدی بر جگرم

به سوی تو ای گل خوشبو

من آمدم بر سر زانو

علی علی علی اکبر (۲)

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام – هلال بی سر

ای پرستوی پریده از سر شاخه امیدم

مردم از وقتی که در خون آه و فریادت کشیدم

هلال بی سرم

امید خواهرم

علی اکبرم

آمدم وقتی به خیمه دل ز جان و تن ربودی

من که بودم تشنه اما تشنه تر از من تو بودی

بمیرم از غمت

ببوسم پیکر

لبان تشنه ات

به خون آغشته ات

علی اکبرم

تا زدی ناله عزیزم از دل آوایم گرفتی

تا ز پا افتادی ای گل قدرت پایم گرفتی

تو در خون پا زدی

تو دست و پا زدی

بدل آذر زدم

و من بر سر زدم

علی اکبرم

وای ام ای دل وای ام ای دل چون شب من بی سحر شد

زینَبم گو با ابوالفضل که حسینت بی پسر شد

زمین خوردی و من

جوان نازنین

زمینگیرت شدم

علی پیرت شدم

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – شیر و خواره

.Your browser does not support the audio tag

ای کودک شیر و خواره

ای روی تو ماه پاره

از داغ لب خشک تو

خون گریه کند گهواره

ای غنچه خوشبوی خیمه، چسان روم به سوی خیمه، من

روی برگشتن ندارم

تو در تب و تابی اصغر

هم تشنه آبی اصغر

بر گوش تو لالا خواند

شاید که بخوابی اصغر

ببین حرم در التهاب است، چشم انتظار تو رباب است، مبر ز دل صبر و قرارم

هم غربت من را دیدی

هم ناله من بشنیدی

کشتی تو مرا از خجلت

از بس که به من خندیدی

بگشا دو چشم و کن تماشا، که مانده ام تنهای تنها، از هر دو دیده خون ببارم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – طفل مستم

به همراهم به همراهم آمد به میدان طفل مستم

همه هستم همه هستم زد دست و پا بر روی دستم

از تشنگی رنگش پریده

اشک دو چشم خود مکیده

لای لای علی لای لای علی جان (۲)

ندارم من ندارم من بعد از تو دل خوشی علی جان

مرا آخر مرا آخر با خنده می کشی علی جان

تویی مدال افتخارم

من غیر تو یاری ندارم

چرا دیگر چرا دیگر، نمی کنی شیرین زبانی

چو تیر آمد به سوی تو من هم شدم از غم کمانی

ببین حرم در التهاب است

چشم انتظار تو رباب است

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – صفحه آخر

.Your browser does not support the audio tag

ای آن که فتاده سر تو بر سر دوشم

یک موی تو را من به دو عالم نفروشم

تنها و غریبم ای کودک مستم، یاران همه رفتند من دل به تو بستم

لای لای علی جان

تنها و غریبم برویم دیده مَنَبدی

بر روی پدر با لب خشکیده نخندی

رفتی تو به خواب و من خواب ندارم، جز اشک خجالت من آب ندارم

لای لای علی جان

ای آن که روی دست منی طفل ربابی

تو یار من و صفحه آخر کتابی

باشد پدر تو سرگشته علی جان، گاهی سوی خیمه گاهی سوی میدان

لای لای علی جان

تا روز ابد من ز تو شرمنده ام اصغر

من پشت حرم قبر تو را کنده ام اصغر

پا تا به سر تو ناز است علی جان، چشم تو هنوزم باز است علی جان

لای لای علی جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – غنچه درد

ای آخرین یار من دو چشم خود وا کن

تنهای تنها ماندم مرا تماشا کن

آتش زدی بر هست من ای بود و هست من

از بس زدی تو دست و پا بر روی دست من

غنچه پرپر من، علی اصغر من

ای آخرین شمع من در حال سوسویی

با نگه خود دیگر سخن نمی گویی

سرتا به پایت خون و من سرتا به پا دردم

ماندم چگونه من به سوی خیمه برگردم

غنچه پرپر من، علی اصغر من

نفس نداری دیگر ای طفل دلبندم

پشت حزم با دستم قبر تو را کندم

تیر بلا از هر طرف من را نشان کرده

من را کمان حرمله هم چون کمان کرده

غنچه پرپر من، علی اصغر من

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – غنچه خندان

ای تمام لشگرم ای علی اصغرم

بهر قربانی ترا سوی میدان می برم

بر تو می نازم که تو شش ماهه سرباز منی

من سرافراز تو هستم تو سرافراز منی

آخ_رین یارم علیمن تو را دارم علی

چشم خود را باز کن راز دل ابراز کن

بر سر دوش پدر پر بزن پرواز کن

غنچه خندان من از روی بی رنگت بگو

جان بابا هر چه می خواهد دل تنگت بگو

طوطی پر بسته ام، کودک دل خسته ام

گوش کن تا بشنوی گریه آهسته ام

چشم خود را بر دو چشم نیمه بازت دوختم

از تلظی های تو آتش گرفتم سوختم

ای تمام هست من کودک سرمست من

تکیه گاهت شانه و قتلگاهت دست من

خنده کن بر روی دستم تا که سیرابت کنم

خنده کن تا با خدنگ حرمله خوابت کنم

استاد حاج غلام رضا سازگار

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – گهواره خالی

تویی کودک مستم

تو هستی همه هستم

ز داغ تو علی جان

من از پا بنشستم

بخواب ای گل پرپر، لالایی علی اصغر

تو دلبند ربابی

بگو از چه نخوابی

چرا در تب و تابی

مگر تشنه آبی

تو در راه وصالی

شکسته پرو بالی

بود دیده مادر

به گهواره خالی

ز دستم شده چاره

کنم بر تو نظاره

در آغوش من ای گل

گلویت شده پاره

رخت گشته چو مهتاب

عطش برده تو را تاب

تو می خندی و من هم

ز خجلت شده ام آب

بخواب ای گل پرپر، لالایی علی اصغر

استاد سید محسن حسینی

ص: ۵۵

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – باغبان گلفروش

.Your browser does not support the audio tag

ای خدا من باغبان گل فروشم

تو خریدار هر چه گویی من خموشم

من حسینم من حسینم من حسینم من حسینم

غنچه نَشکفته دارم روی دوشم

بوی عطر از آن لبانش برده هوشم

من حسینم من حسینم من حسینم من حسینم

ای خریدار! این متاع آخرین است

سوسن اینست، سنبل اینست، لاله اینست

من حسینم من حسینم من حسینم من حسینم

استاد حاج علی انسانی

ص: ۵۶

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – طفل شش ماهه

.Your browser does not support the audio tag

زِ آه سینه خود دل مرا مسوزان

کم زبان خود را دور دهان بگردان

یار آخر من، علی اصغر من

تا به کی علی جان تو من را این سو و آن سو می کشی

کم بخند علی جان و گرنه من راز خجلت می کشی

طفل اشک من را ببین ای طفل خموش من علی

از چه رو فتاده سر تو بر روی دوش من علی

ای عزیز رباب _ روی دستم بخواب _ لای لای علی جان

اشک من بروی قنداقه ات چکیده

من چه سان ببوسم این حنجر بریده

یار آخر من، علی اصغر من

از نفس فتادم ز بس که تو می زنی نفس نفس

از تمام مانده برایم به غیر تو نمانده کس

ای تمام هستم برروی دستم مزن تو دست و پا

به خدا ندانم چگونه روم به سوی خیمه ها

استاد سید محسن حسینی

ص: ۵۷

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – خواب آب

ای آخرین یارم علی، تنها تو را دارم علی

دو چشم خود می بندی اصغر

به من چرا می خندی اصغر

لای لای علی لای لای علی جان

فدای این گلوی تو، گلوی مثل موی تو

خواهم ببوسم حنجر تو

ترسم جدا شود سر تو

لای لای علی لای لای علی جان

بر روی دوش من بخواب، شاید ببینی خواب آب

ای پسرم دلم مسوزان

دور دهان زبان مگردان

لای لای علی لای لای علی جان

مگو تو ای طفل رباب، با هر نگاهت آب آب

ای پسرم جام و سبو نیست

در خیمه ها دیگر عمو نیست

لای لای علی لای لای علی جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – ذبیح بی سر

علی اصغر من

شهید آخر من

امید اول بابایی

ذبیح بی سر من

تو دریای کرمی

گل باغ ارمی

تو با بال و پر خود

پرستوی حرمی

پریدی از سر دوش من بدوش مادر من

گل بستان منی

عزیز جان منی

سپهر آرزویم

مه تابان منی

برویت غرقه به خون ریزد ستاره اختر

علی اصغر پسرم

من از تو تشنه ترم

نه می ماند، نه سبو

نه سقایی به حرم

به جای یی ز غمت گشته لبالب ساغر من

تو یاس منتخبی

چرا در تاب و تبی

تو حق داری پسرم

امان از تشنه لبی

دعا کردم که عمو با آب بیاید در بر من

ص: ۵۹

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – رنگ سحر

Your browser does not support the audio tag.

نمانده آبی، نمانده شیری

جان دهد از تشنگی طفل صغیری

لالایی اصغر (۲)

مادر ببوسد، زیر گلویت

حرمله آنسو، در جستجویت

لبهای طفلم، رنگ سحر شد

از مشک خالی تنش خکشیده تر شد

سوزد غنچه ی، سرخ و سپیدم

او چه کشیده، من چه کشیدم

با ناله مزن آتش به دلم

ماهی تشنه لبم از تو خجلم

بی تاب و تبم، از تاب و تبم

آتش گرفتم، بوسیدم لبت جان دهد از تشنگی طفل صغیری

استاد سید محسن حسینی

ص: ۶۰

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – گل می برم

من برای خدا دسته گل می برم

باشد این دسته گل غنچه پرپرم

هدیه داورمخنده کن اصغرم

سینه و دست من شده گهواره ات

گشته تقدیم حق گلوی پاره ات

خنده کن تا که از خون خَضَابَت کنم

بر سر دوش خود آفتابت کنم

گرچه با سِنّ کم تو علی اصغری

بر روی دست من حُجّت اکبری

هدیه بر خالق داورت می کنم

پیش تیر بلا سپرت می کنم

هدیه داورمخنده کن اصغرم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۶۱

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – زبان حال حضرت رباب

Your browser does not support the audio tag.

پسرم ناز کن ناز تو می خرم

بی تو جان می دهم چه کنم؟ مادرم

دلربایی علی، لایی لایی علی

گل نشکفته ام چه شکوفا شدی

پسرم آخرین یار بابا شدی

نه عجب از غمت که مرا پیر کرد

با که گویم که تیر کار شمشیر کرد

جای شیر از لبت خون چکیده علی

گوش تا گوش تو شد دریده علی

گرچه دشمن تو را تیر کین هدیه کرد

چشم تیر و کمان بر تو خون گریه کرد

دلربایی علی، لایی لایی علی

استاد سید محسن حسینی

ص: ۶۲

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – یار کفن پوش

آخرین یار من

دارو ندار من

روی مه پاره ات

باشد بهار من

غنچه پرپرم، لالایی اصغرم

از کفم چاره شد

حنجرت پاره شد

سینه ام ای پسر

بر تو گهواره شد

یار کفن پوشم

بلبل خاموشم

قلتگاه تو شد

سینه و آغوشم

همه ی هست من

طفل سرمست من

دست و پایِ زند

بر روی دست من

غنچه پرپرم، لالایی اصغرم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – دلبند رباب

ای کودک پریشان دل مرا مسوزان

دور دهان خشکت، کمتر زبان بگردان

لای لای علی علی جان (۲)

ای طفل بی قرارم، مدال افتخارم

ماندم تنهای تنها، جز تو یاری ندارم

کردی ز غم کبابم، شرمنده از ربابم

آبی ندارم اما، داغ تو کرده آبم

تو دلبند ربابی، که خاموش از جوابی

ندانم روی دستم، جان داده یا که خوابی

لای لای علی علی جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – سرافراز

ای آخرین یارم علی، تنها تو را دارم علی

ای طفل شیرخواره

از آه تو می سوزم ای طفل رباب

هستی بروی دست من در پیچ و تاب

ای طفل خاموشم در آغوشم بخواب

شاید در آغوشم ببینی خواب آب

لای لای علی اصغرم لای لای علی اصغرم

تو غنچه دستم ساقه ات، بوسیده ام قنداقه ات

ای در حرم ستاره

تو سرفرازم پیش مردم کرده ای

با حنجر پُر خون تبسم کرده ای

اما نمی دانم چرا ای هست من

بر روی دستم دست و پا گم کرده ای

لای لای علی اصغرم لای لای علی اصغرم

از روی تو شرمنده ام، قبر تو را من کنده ام

بهر تو ماه پاره

دیگر تو تاب و تب نداری اصغرم

یک خنده هم بر لب نداری اصغرم

پنهان به خاکت می کنم زیرا که تو

تاب سم مرکب نداری اصغرم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – راه بهشت

خنده ات لاله و آب، گریه ات نور و ثواب

خوانده در گوش تو عشق، ذکر لالایی خواب

تیر لب های تو از شیر گرفت

آب، از حلق تو تأثیر گرفت

علی اصغرم پسرم

آسمانی شده ای، ارغوانی شده ای

بر سر راه بهشت، تو نشانی شده ای

آخرین آیه یاسین منی

مصحف کوچک خونین منی

علی اصغرم پسرم

مرغ خوش نغمه چرا؟، نزنی شور و نوا

خون حلق تو علی، می دهد بوی خدا

تو که شش ماهه دلاور شده ای

اصغری، بر همه اکبر شده ای

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – لالای پسرم

طفل سرمست منی که روی دست منی

خود تو دانی پسرم همه هست منی

تو که با چشم ترت غربت من را دیدی

پس چرا با لب خشکیده به من خندیدی

لالای پسرم

من گرفتم به برت چیده شده بال و پرت

دیده بگشا و ببین مانده تنها پدرت

ای جگر گوشه بابا جگرم سوزاندی

پیش من بس که زبان دور دهان گرداندی

لالای پسرم

چشم تو رفته به خواب منتظر مانده رباب

کن تماشا پدرت از خجالت شده آب

من که سرتا بقدم سوزم و آه و دردم

با چه رویی پسرم من به حرم بر گردم

لالای پسرم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – مظلوم علی اصغر

ای بلبل خوش نغمه گلزار پیغمبر

مظلوم علی اصغر

از تشنگی پرپر زدی چون طایری بی پر

مظلوم علی اصغر

لب تشنه رفتی سوی میدان تا بنوشی آب

ای گروه نایاب

آب ندادند این گروه ظالم و کافر

مظلوم علی اصغر

بر روی دست شاه دین رفتی سوی میدان

ای کودک عطشان

آب تو باشد روز و شب در دیده خواهر

مظلوم علی اصغر

طفلان بر گهواره ات با ناله و زاری

دارند عزاداری

گویند و ذکر خواب تو با آن دو چشم تر

مظلوم علی اصغر

گفتم مگو لب تشنه ام ای کودک مظلوم

گشتی ز جان محروم

کردی طلب آب و زدی در خون خود پرپر

مظلوم علی اصغر

ص: ۶۸

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – فصل خزان

Your browser does not support the audio tag.

نور چشمم چشم خود را از چه می بندی علی جان

من که مردم از خجالت از چه می خندی علی جان

لایی لایی لایی لایی اصغر من اصغر من

داغ جانسوزت علی جان می زند بر دل شراره

جای بوسیدن ندارد این گلوی پاره پاره

طفل دلبند ربابی تشنه یک قطره آبی

آرزو دارم علی جان تو در آغوشم بخوابی

تو سراپا غرقه خونی من سراپا دردم اصغر

من ندانم با چه رویی در حرم برگردم اصغر

غنچه نشکفته ام را آمده فصل خزانش

کس ندیده غنچه ای را روی دست باغبانش

لایی لایی لایی لایی اصغر من اصغر من

استاد سید محسن حسینی

ص: ۶۹

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – گلم شده پرپر

Your browser does not support the audio tag.

این که بر چهره آب و رنگش نیست

طفل شش ماهه عزم جنگش نیست

به خدا که امید من است او، گل سرخ و سپید من است او

خدا خدا بنگر، گلم شده پرپر

در عطش باغ و فصل بی آب

هر گلی دارد رنگ مهتابی

چه کنم من و باغ پر از گل

به عطش گل و غنچه و بلبل

خدا خدا بنگر، گلم شده پرپر

بر صغیر من تشنگی نازد

از یمی یک غم کم نمی سازد

شده گلشن فاطمه تشنه

چه کنم من و این همه تشنه

خدا خدا بنگر، گلم شده پرپر

استاد حاج علی انسانی

ص: ۷۰

نوحه حضرت علی اصغر علیه السلام – آب و شیر

.Your browser does not support the audio tag

بخواب ای طفل عطشان وقت لالایی شده

لب خشک تو ای مادر تماشایی شده

شوی پرپر تو ای گل نیلوفرم

علی اصغرم علی اصغرم

مکن گریه بروی دامن مادر بخواب

مزن شیون که باشد در حرم قحطی آب

گل سرخ من و شهید آخرم

علی اصغرم علی اصغرم

شود دریا حرم از اشک چشمان ترم

که شاید زنده برگردد ز میدان اصغرم

شوی پرپر تو ای گل نیلوفرم

علی اصغرم علی اصغرم

سراغ آب و شیر از مادرت دیگر مگیر

گلوی نازنینت می شود آماج تیر

تو بودی آخرین پناه و یاورم

علی اصغرم علی اصغرم

استاد محمد نعیمی

ص: ۷۱

عطش– بانگ عطش

.Your browser does not support the audio tag

امشب امشب اصغر شود بی تاب

بستند بستند بر روی مهمان آب

بانگ عطش برپاست

خون بر دل سقاست

خون است خون است آب فرات امشب

اشک است اشک است در دیده زینب

مولا مولا یا ساقی کوثر

مادر مادر داده ز کف چاره

بانگ عطش برپاست

آبی آبی از بهر طفلان بر

گردد گردد بر گرد گهواره

خون بر دل سقاست

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۷۲

عطش- قحطی آب

در خیمه امشب قحطی آب است

دلها از سوز عطش کباب است

نمانده راه چاره، می سوزد شیرخواره، واویلا واویلا

لای لای علی علی جان

شیرین زبان یکتاپرستم

می زند پرپر بر روی دستم

گلوی شیرخواره، گردیده پاره پاره، واویلا واویلا

لای لای علی علی جان

دو چشم خود را بر من مبندی

با لب عطشان بر من نخندی

مدال افتخارم، همه دار و ندارم، واویلا واویلا

لای لای علی علی جان

استاد حاج غلام رضا سازگار

عطش– گل های تشنه

Your browser does not support the audio tag.

امشب به صف کربیلا قحطی آب است

از گریه اصغر جگر آب کباب است

ای ساقی بی آب

عباس ابوالفضل

اصغر شده بی تاب

عباس ابوالفضل

افسوس که پژمرده گل یاس حسین است

دریا خجل از خجلت عباس حسین است

آب آور تشنه گلهای مدینه

آبی برسان بر لب عطشان سکینه

بشتاب که خون در دل دریاست ابوالفضل

خشکیده لب یوسف زهرا است ابوالفضل

ای ساقی بی آب

عباس ابوالفضل

اصغر شده بی تاب

عباس ابوالفضل

صحرای بلا پر شده از گریه و ناله

مگذار بسوزد جگر طفل سه ساله

این آب فرات است که مهریه زهراست

لب تشنه چرا دختر او زینب کبری ست

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۷۴

عشق است ابوالفضل علیه السلام – عشق

گفتند که دل از همه برده است ابوالفضل

در عشق گذشت از سرو از دست ابوالفضل

ای اسوه جانبازی و ایثار و شهامت

آوازه نامت همه جا هست ابوالفضل

عشق است ابوالفضل

عاشق شد و از هستی خود کرد فراموش

هر کس که به یاران تو پیوست ابوالفضل

لب تشنه برون آمد از آب، که بودی

از جام بلا سرخوش و سرمست ابوالفضل

عشق است ابوالفضل

گر آب گذشت از سرت اما به حقیقت

پیمانه پیمان تو نشکست ابوالفضل

تیری که به پرواز درآمد سوی چشمت

شیرازه مژگان تو را بست ابوالفضل

عشق است ابوالفضل

ای دست تو، چون آیه قرآن متبرک

این بوسه گه چار امام است ابوالفضل

ای ماه که پنهان شدی از دیده زینب

زهرا سر بالین تو بنشست ابوالفضل

عشق است ابوالفضل

استاد حاج غلام رضا سازگار

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – غیرت کامل

غیرت کامل مدد ـ حَلال هر مشکل مدد

یا ابوفاضل مدد ـ مولا ابوفاضل مدد

علقمه گوید مدد ـ با زمزمه گوید مدد

در کنار پیکر تو ـ فاطمه گوید مدد

یار تو هستم مدد ـ بیمار تو هستم مدد

ای گل ام البنین ـ من خار تو هستم مدد

ساقی عطشان مدد ـ ای حامی طفلان مدد

ای گرفته مشک طفلان را تو بر دندان مدد

مست می گوید مدد ـ پا بست می گوید مدد

در کنار نهر علقم دست می گوید مدد

ماه شب گوید مدد ـ با تاب و تب گوید مدد

خیز و از جا چون امام تشنه لب گوید مدد

چاره می گوید مدد ـ صد باره می گوید مدد

لب گشوده کودک مه پاره می گوید مدد

سیل غم گوید مدد ـ مشک و علم گوید مدد

زینب کبری اطهر در حرم گوید مدد

آرزو گوید مدد ـ جام و سبو گوید مدد

آمده از زه سکینه با عمو گوید مدد

استاد حاج غلام رضا سازگار

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – سقای بی دست

در راه تو افتاده کنون از بدنم دست

افتاده ام از پا و ندارم به تنم دست

سقای تو بی دست، افتاده به صحرا

پیش نظر من گریان شده زهرا

سقای تو هستمافتاده دو دستم

تا علقمه هر چند که من راه سپردم

دل گرچه بدریا زده ام، آب نخوردم

از عشق تو افتاد آتش به وجودم

یاد لب خشک اطفال تو بودم

سقای تو هستمافتاده دو دستم

فرق من محزون چو دلم سخت شکسته

خون آمد و شد پنجره ی عشق تو بسته

یک چشم مرا اشک بی تاب گرفته

چشم دگرم را خوناب گرفته

سقای تو هستمافتاده دو دستم

از بس به تنم ضربت شمشیر نشسته

یا سنگ بر او آمده یا تیر نشسته

یک عضو تن من بی زخم نمانده

مهتاب تو را تیر بر خاک نشانده

سقای تو هستمافتاده دو دستم

استاد سید هاشم وفایی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – ای مشک

سقایم و اشک افشانم

شرمنده من از طفلانم

تا روز ابد از خجلت

در علقمه من می مانم

ای قبله من روی ماهت _ افتاده دستم سر راهت

در علقمه جان می سپارم

هستی همه هستم ای مشک

من دل به تو بستم ای مشک

ترسم بروی از دستم

مانند دو دستم ای مشک

بشنو تو گفتگوی سقا _ بخر تو آبروی سقا

حرم بود چشم انتظارم

دل بر خم مویت بستم

شرمنده ز رویت هستم

کردی ز خجالت آبم

تا بوسه زدی بر دستم

من شاهد یاس کبودم _ به پیش زهرا در سجودم

بر دامنش سر می گذارم

ای سید و سالار من

ای شمع شب تار من

خاک قدمت را بگذار

بر دیده خونبار من

من تا ابد مستم ز جامت ــ تویی امام و من غلامت

بیا به سویم ای نگارم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – چه علمدارم

Your browser does not support the audio tag.

شد جدا از باغ شاخه یاسم

در کجا افتاده دست عباسم

نه به جا علم و نه علمدار

من و این همه لشگر کفّار

خدا خدا خداچه شد علمدارم

از گلم دیگر نشنوم بویی

دست او سویی مشک او سویی

تن لاله حبل متین کو

مه من گل ام البنین کو

خدا خدا خداچه شد علمدارم

تشنه جان داده بر لب دریا

ز عدو چه ستم چه جفایی

جای او باشد چشم من سقا

ز تو هم چه صفا چه وفایی

خدا خدا خداچه شد علمدارم

بس که نوشیدم می ز پیمانه

بر کمر دست پیر میخانه

نه مِیی و نه می زده باقی

نه خمی و نه جام و نه ساقی

خدا خدا خداچه شد علمدارم

استاد حاج علی انسانی

ص: ۷۹

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – زائر یاس

.Your browser does not support the audio tag

بیا در علقمه ای بی قرینه

که هستم زائر یاس مدینه

ولیکن من اگر دستی ندارم

که بگذارم به پیش او به سینه

من افتاده از پا ــ چسان برخیزم از جا

کمک کن یابن الزهرا ــ بگردم دور زهرا

طوافم را تماشا کن تماشا

حسین جانم حسین جانم حسین جان

همه از دیده خود خون فشانید

دگر چشم انتظار من نمانید

قسم بر جان طفل شیرخواره

مرا سقای آب آور نخوانید

تب و تابی ندارم ــ دُرّ نابی ندارم

به جز اشک خجالت ـــ دگر آبی ندارم

خدا داند دگر خوابی ندارم

حسین جانم حسین جانم حسین جان

ص: ۸۰

ببین ای مشک چشمان تر من

مزن آتش تو از پا تا سر من

نه تنها آبروی من که هستی

تمام آبروی مادر من

به حالم کن نظاره ـــ مکن از من کناره

از آن ترسم که ای مشک ـــ بمیرد شیرخواره

مزن بر جسم و جان من شراره

حسین جانم حسین جانم حسین جان

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – چشم انتظار

بیا مولا بیا مولا که علقمه دارد تماشا

اگر قابل نباشم من بیا به احترام زهرا

کمک کن ای درمان دردم

تا دور مادرت بگردم

حسین حسین حسین حسین جان

ز آه خود ز آه خود پا تا سر من را مسوزان

مرا دیگر مرا دیگر به سوی خیمه بر مگردان

ببین خجالت کرده آبم

شرمنده از طفل ربابم

حسین حسین حسین حسین جان

بگو طفلان بگو طفلان چشم انتظار من نمانند

بگو آن ها بگو آن ها دیگر مرا سقا نخوانند

دیگر تب و تابی ندارم

جز اشک خود آبی ندارم

حسین حسین حسین حسین جان

تماشا کن تماشا کن ای تیر دشمن اشک سقّا

مکن من را تو شرمنده میا به سوی مشک سقّا

با این دل شکسته گویم

که باشد این آب آبرویم

حسین حسین حسین حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – سقا فتاده از پا

چشمم بود براهت بیا بیا به سویم

ببین که رفته بر باد تمام آرزویم

دستی مرا نمانده ای یار بی قرینه

تا آن که پیش پایت بگذارمش به سینه

سقا فتاده از پامولا بیا تماشا

از خون وضو گرفتم سجده به یاس کردم

به مشک آب طفلان من التماس کردم

قسم به دلبر خود دل بر تو بستم ای مشک

هستی به ملک هستی تمام هستم ای مشک

ای خیل تشنه کامان از دیده خون فشانید

منتظرم نمانید سقا مرا نخوانید

سقایم و برایم نمانده صبر و تابی

جز اشک دانه دانه من را نمانده آبی

سقا فتاده از پامولا بیا تماشا

استاد سید محسن حسینی

ص: ۸۳

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – سقا و علمدار

.Your browser does not support the audio tag

سقا و علمدارم من

از عشق تو بیمارم من

زده آه طفلان تو آتش بر همه هستم

تو مزن دگر با کام عطشان بوسه بر دستم

یابن الزهرا یابن الزهرا

سر تا به قدم سوزم و آه و دردم

بر پای تو من سر به سجود آوردم

از بس که خجالت زده طفلانم

می میرم اگر سوی حرم برگردم

سقا ز نفس افتاده

بر من شده خون سجاده

تو بیا ببین در علقمه سوز و گداز من

شده خاک پای مادرت مهر نماز من

یابن الزهرا یابن الزهرا

استاد سید محسن حسینی

ص: ۸۴

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – مشک پر خون

ببین تو ای هست من روی زمین هستی ام

گریه کند علقمه بر من و بی دستی ام

بر لب آبم و در غم آبم

من خجل از رخ طفل ربابم

مشک پر از خون دلم پر از شراره مکن

من التماست کنم ز من کناره مکن

ای که تو مثل من نقش زمینی

آبروی من وام البَنّینی

حسین بیا علقمه بوی مدینه گرفت

شکسته سینه سر مرا به دامن گرفت

زائرم و در زیارت بمیرم

کو دو دستم که به سینه بگیرم

ز آهت ای دلبرم شرر به هستم مزن

با لب خشکیده ات بوسه به دستم مزن

تو همه نازی و من همه دردم

من دِگر در حرم بر نمی گردم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۸۵

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – سقا فتاده

.Your browser does not support the audio tag

از علقمه تا خیمه گل بپاشید

منتظر سقا دیگر نباشید

سقا فتاده تشنه لب در پیش دریا، دارد تماشا

آه و واویلا واویلا، آه واویلا

در پیش جو سروی در گل نشسته

یا باغبان دین پشتش شکسته

سقا فتاده تشنه لب در پیش دریا، دارد تماشا

آه و واویلا واویلا، آه واویلا

از شاخه اش ریزد گل دسته دسته

صف بسته اشک او با چشم بسته

سقا فتاده تشنه لب در پیش دریا، دارد تماشا

آه و واویلا واویلا، آه واویلا

استاد حاج علی انسانی

ص: ۸۶

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – اشک خجالت

ای علقمه من ماه ام البنین هستم

ای علقمه بر ماه فاطمه دل بستم

سر تا به پا پا تا به سر هستم تماشایی

آتش به جانم می زند این نام سقایی

ای ماه تابانم مظلوم حسین جانم

ای مشک طفلان هستی دار و ندار من

ای مشک طفلان وا کن گره ز کار من

باشد به خیمه بردن تو آرزوی من

یک قطره از آب تو باشد آبروی من

ای ماه تابانم مظلوم حسین جانم

اشک خجالت از هر دیده ببارم من

کنار آبم اما آبی ندارم من

یاد عزیزان تو من را می کشد هر دم

دیگر به سوی خیمه ها من بر نمی گردم

ای ماه تابانم مظلوم حسین جانم

خون بسته بر چشمانم راه تماشا را

خواهد دلم تا بینم من روی زهرا را

تیر آمده بر دیده من ای کمان ابرو

مشک و علم یکسو فتاده دست من یک سو

ای ماه تابانم مظلوم حسین جانم

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – علم_دار

هم علمدار توام

هم گرفتار توام

یوسف فاطمه من

همه جا یار توام

مادرم ام البنین خون ز دو چشم افشانده

هم چو پروانه مرا دور سرت گردانده

من که در تاب و تبم _ ساقی تشنه لبم

من که در زمزمه ام

ماه در علقمه ام

گو بدانند همه

عاشق فاطمه ام

من که شرمنده ی تو تا به قیامت هستم

با لب تشنه دگر بوسه مزن بر دستم

من که در تاب و تبم _ ساقی تشنه لبم

من در آئینه آب

دیده ام طفل رباب

مثل چشمان ترم

بخت من رفته به خواب

من که سر تا به قدم سوزم و آه و دردم

می کشم خجلت اگر سوی حرم برگردم

من که در تاب و تبم _ ساقی تشنه لبم

آید از گل بویی

آمده بانویی

هم چو مادر از من

می کند دلجویی

بشنو تا که بگویم چه نشانی دارد

روی نیلی شده و قد کمانی دارد

من که در تاب و تبم _ ساقی تشنه لبم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – لب تشنه

ای نور چشم فاطمه، بیا به سوی علقمه

ببین که من در پیچ و تابم

لب تشنه در کنار آبم

جانم حسین جانم حسین جان

بیا بیا که علقمه، گرفته بوی فاطمه

من زائر یاس کبودم

به پای او من در سجودم

جانم حسین جانم حسین جان

زیبا گل ام البنین، پرپر شده روی زمین

بیا که تا کنم نگاهت

افتاده دستم سر راهت

جانم حسین جانم حسین جان

یک سو چکیده اشک من، یک سو فتاده مشک من

ببین خجالت کرده آبم

شرمنده از طفل ربابم

جانم حسین جانم حسین جان

تا هستم و تا زنده ام، از روی تو شرمنده ام

مزن تو ای مولی الموالی

بوسه بر این دو دست خالی

جانم حسین جانم حسین جان

ای دلربا ای نازنین، سقای طفلان را ببین

ای دلبرم دلم مسوزان مرا به خیمه بر مگردان

جان حسین جانم حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – مراد و پیر

ای مراد و پیرم حسین

ای بود تقدیرم حسین

گر ببوسی دست مرا

به خدا می میرم حسین

مرا مبر سوی حرم

خجل ز روی اصغرم

حسین من حسین من

هم علمدار تو هستم

هم خریدار تو هستم

تو گرفتار خدایی

من گرفتار تو هستم

لیله قدرم موی تو

ای قبله ام اَبروی تو

حسین من حسین من

اشکت خجلت ای دلبرم

چون لاله صحرائیم

مشک من افتاد روی خاک

خاک عالم شد بر سرم

می چکد از چشم ترم

خجل از این سقائیم

حسین من حسین من

تیر دشمن کمانه کن

خون ز چشمم روانه کن

جای مشک طفلان بیا

چشم من را نشانه کن

ببین تو این چشمان تر

تو آبرویم را بخر

حسین من حسین من

مادر من اُم البَنین

روز اول گفته چنین

پسرم بگشا چشم خود

یوسف زهرا را ببین

غلام تو خوانده مرا

دور تو گردانده مرا

حسین من حسین من

استاد سید محسن حسینی

ص: ۹۱

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – منصب سقایی

.Your browser does not support the audio tag

ای یوسف زهرا من از عشق تو سرمستم از عشق تو سرمستم

گر دیده جدا از هم مشک و علم و دستم مشک و علم و دستم

من که غلطان به خون روی زمینم

من گل پرپر ام البنینم

یا حسین یا حسین جانم حسین جان (۲)

من با همه می گویم عباس علمدارم عباس علمدارم

تو یوسف زهرایی من بر تو گرفتارم من بر تو گرفتارم

تا ابد می مانم من در علقمه

علقمه می دهد بوی فاطمه

یا حسین یا حسین جانم حسین جان (۲)

در علقمه می گویم ای یار تماشایی ای یار تماشایی

والله خجل هستم از منصب سقایی از منصب سقایی

هستم شرمنده ای مولی الموالی

کم بزن بوسه بر دو دست خالی

یا حسین یا حسین جانم حسین جان (۲)

استاد سید محسن حسینی

ص: ۹۲

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – ادرک اَخا

.Your browser does not support the audio tag

ای علمدار من

علمت در کجاست؟

هم دو دستت جدا

هم جبینت دوتاست

ساقی مه جبینگل ام البنین

ای که از چشم تو

خون رود جای اشک

شهدا می برند

به مقام تو رشگ

دست من بر کمر

دست تو روی خاک

صبر و هوشم ربود

بانگ ادرک اخا

همه اهل حرم

چشم بر راه تو

هاله خون گرفت

چهره ماه تو

دیده بگشا ببین

ای مه علقمه

آمده دیدنت

مادرم فاطمه

ساقی مه جبینگل ام البنین

استاد جواد هاشمی

ص: ۹۳

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – بوی فاطمه

مانده ام چشم انتظارت ای نگار نازنینم

تو گل زهرایی و من لاله ام البنینم

یابن الزهرا یابن الزهرا (۴)

من دگر دستی ندارم تا بدامانت بگیرم

آرزو دارم ز حجلت بر لب دریا بمیرم

در میان سینه آه و می چکد از دیده اشکم

یک طرف افتاده دست و یک طرف افتاده مشکم

تا که آمد بوی زهرا من دوباره جان گرفتم

دست من رفته ز دست و مشک بر دندان گرفتم

تو مسیحایی و من سرتا به پا دردم حسین جان

تا قیامت سوی خیمه بر نمی گردم حسین جان

از دو دیده اشک خجلت روی دامانم چکیده

از چه دیگر می زنی تو بوسه بر دست بریده

در کنار آبم اما در غم یک قطره آبم

رفته ام از یاد و یاد طفل دلبند ربابم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – غ_م خانه

تیر غم آمده بر چشم ترم

دیدنی شد رخ سقای حرم

من در آئینه آب، دیده ام طفل رباب

من که در تاب و تبم، ساقی تشنه لبم

کرده غم در دل ساقی خانه

نه مِیی مانده و نه پیمانه

شده غم خانه دلم، من ز طفلان خجلم

من که در تاب و تبم، ساقی تشنه لبم

من که شرمنده ز رویت هستم

تو مزن بوسه دگر بر دستم

هم علمدار توام، هم گرفتار توام

من که در تاب و تبم، ساقی تشنه لبم

سینه پر آه و به چشمم اشک است

آبرویم همه در این مشک است

هستی ام را مبرید، آبرویم بخرید

من که در تاب و تبم، ساقی تشنه لبم

هم چو موی تو به پیچ و تابم

با لب تشنه کنار آبم

یابن الزهرا تو بیا، ساقی افتاده ز پا

من که در تاب و تبم، ساقی تشنه لبم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – خجالت از طفلان

من از جام تو مستم

بیا ای همه هستم

که افتاده حسین جان

سر راه تو دستم

گل ام البنینم ــ که پرپر به زمینم

دگر دست ندارم

خزان گشته بهارم

گره گشایم اما

گره خورده به کارم

شده ساقی عطشان

خجل از همه طفلان

به این دو دست خالی

مزن بوسه حسین جان

تو را عبد و غلامم

بیا ماه تمامم

که بوی عطر زهرا

رسیده به مشامم

شده علقمه دستش

بسوزد همه هستش

بگو با من دل خون

چرا شکسته دستش

گل ام البنینم ـــ که پرپر به زمینم

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – گهر ناب

.Your browser does not support the audio tag

افسوس که سقای حرم آب ندارد

شش ماهه به گهواره دگر تاب ندارد

یا حضرت عباس

خشکیده لب بلبل گلزار مدینه

از سوز عطش شد نفسم شعله به سینه

سقا شده بر اهل حرم چشم سکینه

در دیده به غیر از گهر ناب ندارد

یا حضرت عباس

اصغر جگرش تشنه یک قطره آب است

مادر دلش از غصه این طفل کباب است

آبی که بود خون دل و اشک رباب است

آرام به جز در بغل باب ندارد

یا حضرت عباس

سقای حرم ای پسر ساقی کوثر

از بهر جگر سوختگان آب بیاور

با یاد لب خشک عزیزان پیمبر

جز خون جگر دیده اصحاب ندارد

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۹۷

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – علم افتاده

من گل باغ ام البنینم

غلطیده در خون روی زمینم

مظلوم حسین جان مظلوم حسین جان

ای گل زهرا مستم ز جامت

بیا به سویم ای بود و هستم

قبله ام باشد ماه روی تو

بیا تماشا ای گل بی خار

من که سرتا پا آهم و دردم

دیگر توان و تابی ندارم

هر طرف بوی فاطمه آمد

بسته شد کم کم چشم خونبارم

دیگر نمانده صبر و تاب من

تو امیری من هستم غلامت

بر سر راهت افتاده دستم

من اسیرم بر تار موی تو

علم افتاد از دست علمدار

دیگر به خیمه بر نمی گردم

جز اشک خجلت آبی ندارم

مادرت سوی علقمه آید

به پیش زهرا جان می سپارم

گرید به حالم مشک آب من

مظلوم حسین جان مظلوم حسین جان

استاد سید محسن حسینی

ص: ۹۸

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – گریه در علقمه

.Your browser does not support the audio tag

هدیه شد بر خدا دو شاخه یاس من

از بدن شد جدا دو دست عباس من

قامتم از غمت شد دو تا ابوالفضل

یا اخا، یا اخا، یا اخا، ابوالفضل

در حرم شعله زد بر جگرم اشک تو

چه شده، دست تو علم و مشک تو

یا علی از نجف به کربلا کن نگاه

بهر عباس تو علقمه شد قتلگاه

یا اخا، یا اخا، یا اخا، ابوالفضل

تیر دشمن به چشم پاک سقا نشست

دل فرزند فاطمه از این غَم شکست

کربلا، از فرات، آید این زمزمه

می کند فاطمه، گریه در علقمه

یا اخا، یا اخا، یا اخا، ابوالفضل

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۹۹

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – علمدارم

.Your browser does not support the audio tag

نه تنها بی پسر ام البنین شد

تمام هست من نقش زمین شد

علمدارم علمدارم ابوالفضل

تو بی دستی و من هم بی ابوالفضل

از اول قسمت ما این چنین شد

عمود آهنین و تیره و نیزه

تو سقا بودی و اجر تو این شد

زیارت کرده زهرا پیکرت را

که سقای تو ختم المرسلین شد

یقین دارم که قبرت ای برادر

زیارتگاه جبرئیل امین شد

نوای آب آب کودکانم

درون سینه آه آتشین شد

علمدارم علمدارم ابوالفضل

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۰

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – علم افتاده به میدان

سکینه منتظر منشین که سقا تشنه جان داده

دو چشم او نشان تیر، دو دستش از تن افتاده

عمو دستش جدا گشته، پدر قدش دوتا گشته

پدر با قد خم گشته، به سوی خیمه برگشته

علم افتاده در میدان، عمو بی دست و سرگشته

لب خشک علی اصغر، ز اشک دیده تر گشته

دگر یا العطش گفتن، مسوزان قلب بابا را

بده آب از سرشکت لاله های باغ زهرا را

عمو با دست ببریده، نمود از رهبرش یاری

به سربازان دین آموخت، ره رسم و وفاداری

بیاد تشنه کامان بود، سرشک از دیده اش جاری

دگر گردد در این وادی، اسیری مشکل زینب

در این صحرا به جز دشمن، نبندد محمل زینب

خدا داند که بعد از این، چه آید بر دل زینب

لب دریا به موج خون، مه ام البنین است این

و یا محراب خونست و امیرالمؤمنین است این

و یا آب آور اطفال، ختم المُرسَلین است این

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۱

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – سقای کودکان

.Your browser does not support the audio tag

جان اخا نباشد بر این لبم جوابی

در مشک خالی من نمانده قطره آبی

سقای کودکانم، به لب رسیده جانم

اگر چه تشنه کامم از باده تو مستم

چه غم اگر جدا شد از عشق تو دستم

جا دارد از خجالت سقا اگر بمیرد

از دست خالی من حسین بوسه گیرد

از بوی عطر زهرا پر شد مشام جانم

خواهم که خیزم از جا اما نمی توانم

بیا مرا کمک کن ای آشنا به دردم

تا دور مادرت من پروانه سان بگردم

ای تیر غم بیا و یک لحظه کن کمانه

بگیر جای این مشک قلب مرا نشانه

سقای کودکانم، به لب رسیده جانم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۰۲

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – قتل العباس

.Your browser does not support the audio tag

در کربلا غوغا شده قتل العباس

بی دست و سر سقا شده قتل العباس

واویلتا واویلتا یا ابوفاضل (۲)

افتاده زیر دست و پا شاخه یاسم

گردیده از پیکر جدا دست عباسم

این اشجع الناس من است آه و واویلا

این دست عباس مَن است آه و واویلا

افتاده از زین بر زمین پیکر عباس

عمود آهنین زدند بر سر عباس

فرمانده بی لشگرم، بهترین یارم

دست و سر و چشمت چه شد ای علمدارم؟

با من گلستان علی در چمن افتاد

دستی که بوسیده علی از بدن افتاد

واویلتا واویلتا یا ابوفاضل (۲)

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۳

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – ای شمس ولایت

.Your browser does not support the audio tag

این پیکر صد چاک، این خون دو بازو، این اشک دو دیده

این حَنجر عطشان، این فرق شکسته، این دست بریده

ای شمس ولایت، عباس فدایت

خجلت زده هستم، از حَنجر خشک، گلهای مدینه

هم اشک فشاندم، هم آب نخوردم، با یاد سکینه

هم چشم ندارم، هم دست ندارم، هم آب ندارم

دیگر به چه رویی، بر دیدن طفلان، رو در حرم آرم

بگذار که دشمن، بر دیده زند تیر، بر فرق عمودم

از شام ولادت، تا روز شهادت، مشتاق تو بودم

یک قطره اشکم، افتاد به دریا، دریا به فغان شد

ناگاه به چشمم، عکس لب اصغر، در آب عیان شد

ای شمس ولایت، عباس فدایت

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۴

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – دست عباس کجاست

Your browser does not support the audio tag.

دامن علقمه را باغ گل یاس کجاست؟

مظهر غیرت و آئینه احساس کجاست

دست عباس کجاست؟دست عباس کجاست؟

قمر هاشمیان از سر زین افتاده

بدن و مشک و علم روی زمین افتاده

آب دریا خجل از گریه سقاست هنوز

این سخن بر لب ذریّه زهراست هنوز

ای سکینه تو بیا و کمکك بابا کن

در زمین گمشده فاطمه را پیدا کن

کربلا از مه افتاده به صحرا تو بگو

به دل سوخته یوسف زهرا تو بگو

دست عباس کجاست؟ دست عباس کجاست؟

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۵

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – آب آورم

خیز ای سپهدارم، ای بازوی حیدر

راضی مشو بر من بخندد این لشگر

ای آرامش و قرارم

افتاده گره به کارم

الله اکبر الله اکبر

عباس علمدارم

اگر نباشی تو دمی کنار من

به خیمه ها ترسم، حمله برد دشمن

ای یار و مه جمیلم

عباسم تو را دخیلم

الله اکبر الله اکبر

عباس علمدارم

صدای هر اسبی، به خیمه می آید

سکینه با طفلان، گوید عمو آمد

ما آب از عمو نخواهیم

جان را بی عمو نخواهیم

الله اکبر الله اکبر

عباس علمدارم

گوید به من دشمن، تو بر نمی خیزی

دگر به عباست، چرا نمی نازی

کو شیر نر یگانه

کو بازوی حیدرانه

الله اکبر الله اکبر

عباس علمدارم

استاد سعید خرازی

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – لاله سرخ

.Your browser does not support the audio tag

ای تکیه گاه من

پشت و پناه من

عباس من عباس من

آرامش جانم

سقای طفلانم

عباس من عباس من

ای سرو عشق من که فرقت را دو تا کردند

دست علمدار تو را از تن جدا کردند

ای سرو افسرده _ ای باغ پژمرده

عباس من عباس من

تا ناله ادرک اخایت را شنیدم من

با چشم خود تنهاییم را بی تو دیدم من

چون مرغ پر بسته به سویت پر کشیدم من

باغ و بهارم من – دار و ندارم من

عباس من عباس من

ای لاله سُرخم ببین رخساره زردم

خود را به اینجا با هزاران زحمت آورم

آخر بگو من با چه روی خیمه برگردم

طفلان زار تو - در انتظار تو

عباس من عباس من

استاد حاج احمد واعظی

ص: ۱۰۷

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – با حسینم

.Your browser does not support the audio tag

عباسم و خون حسین در بدن دارم

صد باغ گل بر پیکر از زخم تن دارم

با حسینم، تا که هستم، این دو چشمم این دو دستم

اگر شود نشان تیر چشم خونبارم

دست از حسین ابن علی بر نمی دارم

سقایم و جاری بود خون ز کام من

در محضر زهرا بود این کلام من

در موج دریا بر لبم التهاب افتاد

تصویر لب های حسین روی آب افتاد

بر کام خشک تشنه گان می کنم زاری

اشک سکینه گشته از چشم من جاری

با آن که در دریای آب لب نکردم تر

خجلت ز اصغر می کشم تا صف محشر

با حسینم، تا که هستم، این دو چشمم این دو دستم

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۰۸

نوحه حضرت ابوالفضل علیه السلام – ساقی حرم

Your browser does not support the audio tag.

در باغ یاسین از ازل من گل یاسم

پرورده ام البَنین یعنی عباسم

من جا نثار مکتبم، من ابوالفضلم

یعنی حسینی مذهبم، من ابوالفضلم

چون ماه نو سر می زنم خیمه به خیمه

پروانه ام پر می زنم خیمه به خیمه

دارم من از جام بلا، مستی خود را

بر آب و آتش می زنم هستی خود را

هر کس که از شوق لقا تشنه تر گردد

گر در دل دریا رود، تشنه برگردد

من بَر سر پیمان خود، باقی ام باقی

در بزم عاشورائیان، ساقی ام ساقی

آب و امید من چه شد رفته از دستم

شرمنده از لب تشنگان در حرم هستم

بوسد اگر تیرستم چشم بیدارم

افزون شود در سینه ام شوق دیدارم

استاد شفق

ص: ۱۰۹

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – قمـر علقمـه

ای برادر علم عشق به سحرا زده ای

وز لب تشنه شرر، بر دل دریا زده ای

ساقی تشنه شهیدم عباس

از تو شد قطع امیدم عباس

یا ابوالفضل مدد

چشم بگشا و ببین چشم خدا گریه کند

از غمت دجله جدا، خیمه جدا گریه کند

علم اهل حرم آه شده

آه از این غصه جانکاه شده

یا ابوالفضل مدد

تو به خون خفته ای و خون جگر دارم من

پیش دستان تو دستی به کمر دارم من

ای که رویت قمر علقمه است

اولین زائر تو فاطمه است

یا ابوالفضل مدد

گفته بودی که تو تنها نگذاری ما را

سخت تنها شده ام خیز به یاری ما را

غم دل باشد و غم خوارم نیست

سپه ام رفت و سپهدارم نیست

یا ابوالفضل مدد

استاد مؤید

ص: ۱۱۰

زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام – سخن عشق

.Your browser does not support the audio tag

علمدار سپاهم چه کردی علمت را

علم کو؟ که ببوسد دو دست قلمت را

لب خشک تو دارد ز عشق تو سخن ها

واویلا واویلا

اگر تیر به چشمت عدوی تو نشانده

پی دیدن طفلان تو را دیده نمانده

لب خشک تو دارد ز عشق تو سخن ها

واویلا واویلا

تویی روح فتوّت تویی جان مروّت

پس از این همه ایثار شده ختم اخوّت

ز بعد رفتن تو شود به من جسارت

شود بعد تو زینب مهیّای اسارت

لب خشک تو دارد ز عشق تو سخن ها

واویلا واویلا

استاد حاج علی انسانی

ص: ۱۱۱

نوحه دودمه شب عاشورا

امشب حسین گرم دعاست

فردا سرش بر نیزه هاست

آید صدای فاطمه

از قتلگاه و علقمه

قرآن به خون کشیده شد

سر حسین بریده شد

قرآن به خون آغشته شد

فرزند زهرا کشته شد

اسب حسین از خیمه گاه

آمد به سوی قتلگاه

ای اهل کوفه جگرم کباب است

در نفسم صدای آب آب است

استاد حاج غلام رضا سازگار

نواحه وداع روز عاشورا – جان زینب سلام الله علیها

هستم چون شمع سوزان

خداحافظ حسین جان

می بری همره خود

جان مرا به میدان

مهلاً مهلا حسین جان یابن الزهرا حسین جان

در دل هوس ندارم

من جز تو کس ندارم

از بس گفتم حسین جان

دیگر نفس ندارم

رویت ماه منیرم

به گیسویت اسیرم

یا مرو یا دعا کن

در خیمه من بمیرم

قبله ام ماه رویت

آمده ام به سویت

تا که بوسه بگیرم

من از زیر گلویت

با چشم پر ستاره

در خیمه کن نظاره

از گوش دخترانت

واکن تو گوشواره

مهلاً مهلا حسین جان یابن الزهرا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۱۳

نوحه وداع روز عاشورا

.Your browser does not support the audio tag

کربلا پر شد از رنگ و بوی حسین

خاک آن خورده خون از گلوی حسین

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

زیر خنجر حسین ناله اش بر لب است

یک طرف فاطمه یک طرف زینب است

گودی قتلگاه دارد این زمزمه

تسلیت فاطمه تسلیت فاطمه

می دود روی خار مهربان مادری

شعله افتاده بر دامن دختری

شمر دون لرزه افتاده بر پیکرش

ناله یا حسین خیزد از حنجرش

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۱۴

نواحه وداع روز عاشورا – عشق و عفاف

رود به میدان تمام هستم

گویم به چشم گریان

قرآن گرفتم بر روی دست

خداحافظ حسین جان

واویلا واویلا

مهلاً مهلا حسین جان، یابن الزهرا حسین جان

آهسته تا من آیم به سویت

ای امام غریبم

بوسه زنم بر زیر گلویت

بردی صبر و شکیبم

واویلا واویلا

مهلاً مهلا حسین جان، یابن الزهرا حسین جان

من در حریم عشق و عفافم

هستی طبیب دردم

تو کعبه هستی من در طوافم

دور تو من بگردم

واویلا واویلا

مهلاً مهلا حسین جان، یابن الزهرا حسین جان

ناز تو را من هستم خریدار

رویت ماه منیرم

یوسف زهرا خدانگهدار

دعا کن من بمیرم

واویلا واویلا

مهلاً مهلا حسین جان، یابن الزهرا حسین جان

کنم تماشا روی چون ماهت

من جز تو کس ندارم

اشک دو چشمم باشد سپاهت

دیگر نفس ندارم

واویلا واویلا

مهلاً مهلا حسین جان، یابن الزهرا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه وداع روز عاشورا – مهلاً مهلا

شمع بی پروانه مرو

دلبر جانانه مرو

می چکد از چشم ترم

اشک دانه دانه مرو

آهسته رو تا خواهرت

قرآن بگیرد بر سرت

مهلاً مهلا یابن الزهرا (۲)

ز خزان گلشن مگو

حرف رفتن با من مگو

یوسف من با خواهرت

سخن از پیراهن مگو

تنها مرو ای همسفر

جان مرا با خود ببر

مهلاً مهلا یابن الزهرا (۲)

لاله های باغ عفاف

در حرم کرده اعتکاف

کعبه من هستی و من

دور تو در حال طواف

دست علی یارت حسین

خدا نگهدارت حسین

مهلاً مهلا یابن الزهرا (۲)

آمد از خیمه خواهرت

تا که گردد دور سرت

ای امام بی لشگرم

کو علمدار لشگرت

کو لاله و کو یاس تو

بگو چه شد عباس تو

مهلاً مهلا یابن الزهرا (۲)

بی نشان ماندم من حسین

نیمه جان ماندم من حسین

خم شدم بوسم پای تو

قد کمان ماندم من حسین

کسی نداند جز خدا

با من چها کردی چهار

مهلاً مهلا یابن الزهرا (۲)

استاد سید محسن حسینی

زبان حـال وداع

گردیده حرم غم خانه

تو شمعی و من پروانه

ز گلوی خشکت ای مسیحا بوسه می گیرم

تو مرو حسین جان ورنه من در خیمه می میرم

مهلًا مهلا _ یابن الزهرا (۲)

هجران تو بر جان شررم افروزد

زینب به خدا دیده براهت دوزد

یک بوسه گرفته ز گلویت اما

از هرم لبت لعل لبم می سوزد

آهسته بران مرکب را

بردی تو دل زینب را

تو ببین که شد هفت آسمان از آه من نیلی

شده روی طفلانت دگر آماده سیلی

مهلًا مهلا _ یابن الزهرا (۲)

استاد سید محسن حسینی

زبان حال وداع – خداحافظی حضرت زینب سلام الله علیها

خداحافظ ای نگار و حبیبم

خداحافظ ای قرار و شکیب

خداحافظ ای تمامی هستم

خداحافظ ای امید حرم

دل زینب بسته بر سر مویت

حدیث دردم شنیدنی است

تو از مرکب طفل خسته جدا کن

زند بوسه روی ماه تو را

خداحافظ غمگسار و طبیبم

خداحافظ ای امام غریب

خداحافظ ای برفته ز دستم

خداحافظ یار و همسفرم

زنم بوسه من به زیر گلویت

وداع من با تو دیدنی است

ز گوش او گوشواره تو وا کن

دو دست او بسته راه تو را

استاد سید محسن حسینی

نوحه وداع – وداع دلبر

ای روی دل آرایت قرص قمر زینب قرص قمر زینب

از آه تو می سوزم ای همسفر زینب ای همسفر زینب

دیده بگشا تو ای کعبه دلها

طواف زینبت دارد تماشا

یابن الزهرا حسین خدانگهدار

قرآن بروی دستم روی سوی تو آوردم روی سوی تو آوردم

تا آن که نفس دارم من دور تو می گردم من دور تو می گردم

وداع دلبر و دل دیدنی شد

زیر گلوی تو بوسیدنی شد

یابن الزهرا حسین خدانگهدار

ای دلبر تنهایم داد از غم تنهایی داد از غم تنهایی

زینب ز تماشایت گردیده تماشایی گردیده تماشایی

خون خدا دلم خون شد چو لاله

من چه گویم به زهرای سه ساله

یابن الزهرا حسین خدانگهدار

استاد سید محسن حسینی

نوحه وداع – پای مرکب

.Your browser does not support the audio tag

ای عزیز مادر، نازنین برادر

می روی به میدان، کن نظر به خواهر

یا حسین ترا من خواهرم می شوی فدا یا اخا عزیز مادرم

یا حسین مظلوم یا حسین مظلوم (۲)

تو روی به میدان، من به چشم گریان

همرهت دویدم، اندر این بیابان

تشنه لب به میدان می روی تا کنی فدا هست و سر و جان می روی

یا حسین مظلوم یا حسین مظلوم

گه بُود نگاهت، سوی قتلگاهت

تو غریب و تنها، ما همه سپاهت

دخترت فتاده بر زمین پای مرکبت در بغل گرفت آن نازنین

یا حسین مظلوم یا حسین مظلوم

ای مه منیرم بعد تو اسیرم

یا اخا دعا کن تا که من بمیرم

یا حسین تو را من خواهرم می شوی فدا یا اخا عزیز مادرم

یا حسین مظلوم یا حسین مظلوم

استاد حاج غلام رضا سازگار

ظهر عاشورا – آب فرات

ای فرات آب روان جاری کن

عترت فاطمه را یاری کن

لاله ها تشنه لب اند

همه در تاب و تب اند

یا ابا عبدالله

ای فرات آل پیمبر تشنه است

تو مزن موج که اصغر تشنه است

رسد از کربلا

نغمه واعطشا

یا ابا عبدالله

شرم از تشنه لبان کن ای آب

عطش آتش زده بر جان رباب

که گلشن پژمرده

از عطش افسرده

یا ابا عبدالله

عطش و آتش و خون موج به موج

ناله واعطشا رفته به اوج

بسته شد آب روان

بر روی تشنه لبان

یا ابا عبدالله

استاد محمد نعیمی

ص: ۱۲۱

نوحه گودال قتلگاه – رگ های بریده

Your browser does not support the audio tag.

زخم تو را شویم از اشک دو دیده

بوسه بگیرم ز رگهای بریده

وای حسینم وای حسینم

شکوه برم بر خدا با دل خسته

یک بدن و این همه نیزه شکسته

قاتل تو می برد محمل ما را

گوشه ویران دهد منزل ما را

موسم دوری ما و تو رسیده

هَمسفرم شو به رگهای بریده

داغ تو دیشب چراغ دل ما بود

خیمه آتش زده منزل ما بود

زخم تو را شویم از اشک دو دیده

بوسه بگیرم ز رگهای بریده

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۲۲

زبان حال عصر عاشورا – ذوالجناح

ذوالجناحا سرگشته ای

از چه با خون تر گشته ای

تو بگو با زینب چرا

بی حسینم برگشته ای

شمع شب تارم کجاست

دلبر و دلدارم کجاست

حسین من، حسین من

دلبر و دلدارم کجاست

شمع شام تارم کجاست

به کجا مانده یوسفم

گرمی بازارم کجاست

دیدی ز خون رنگش زدند

دیدی همه سنگش زدند

حسین من، حسین من

ذوالجناحا کو یار من

تو بگو با زینب من

خسته ای از بس با دهان

تو کشیدی تیر از بدن

ای ذوالجناح کو صاحبت

مرکب بگو کو راکبت

حسین من، حسین من

من سرگردان زینبم

تو ببین در تاب و تبم

تو بگو با من ذوالجناح

کو حسین تشنه لبم

سید و سرورم کجاست

عزیز مادر کجاست

حسین من، حسین من

استاد سید محسن حسینی

نوحه شام غریبان – صبور غم ها

Your browser does not support the audio tag.

خسته تر از خسته ام

کشتی بشکسته ام

بیا به خیمه ببین

نماز بنشسته ام

من که به تاب و تبم، خواهر تو زینبم

ای مه کنعان من

شمع شبستان من

سحر ندارد مگر

شام غریبان من

آمده با زمزمه

مادرمان فاطمه

گهی رود قتلگه

گهی رود علقمه

دگر ندارم نفس

نباشدم جز تو کس

ذکر لبم هر کجا

حسین حسین است و بس

نگیرد از من سراغ

کسی به جز درد و داغ

بسوزد امشب دلم

به جای شمع و چراغ

خون چکد از آه من

کجایی ای ماه من

زهر طرف یا اَخا

بسته شده راه من

من که به تاب و تبم، خواهر تو زینبم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۲۴

زبان حال شام غریبان

شده هفت آسمان، نیلی از آه من

در خسوفی چرا امشب ای ماه من

من که جان بر لبمخواهرت زینبم

می چکد خون دل از دو چشم ترم

هم بسوزد دلم هم بسوزد حرم

به کجا رفته ای ای امید دلم

عاقبت داغ تو می شود قاتلم

من فدای تو و کهنه پیراهنت

دست من شد جدا آخر از دامنت

اشک طفلان تو راه صحرا گرفت

حرم سوخته بوی زهرا گرفت

کنج این سینه ام تا که باشد نفس

ذکر لب های من یا حسین است و بس

ای حسینم ز خون از چه رنگت زدند

گو تا با من چرا همه سنگت زدند

استاد سید محسن حسینی

نوحه گودال قتلگاه خداحافظ حسین جان علیه السلام

تویی ماه منیرم به موی تو اسیرم

ز رگهای بریده دعا کن مَن بمیرم

حسین خدانگهدار

عزیز مادر من، حسین بی سر من

میان قتلگاه است، وداع آخر من

طرفدار تو هستم خریدار تو هستم

من از بعد علمدار، علمدار تو هستم

همه حاصل زینب شده خون دل زینب

تو از کنار گودال ببین محمل زینب

امام بی قرینه، به موج غم سفینه

منم زائر که باشد دو دست من به سینه

ببین ای گل لاله مرا نمانده لاله

ندانم چه بگویم به زهرای سه ساله

حسین خدانگهدار

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت سکینه سلام الله علیها – اسب بی سوار

ذوالجناحا بگو

پدرم در کجاست؟

دل اهل حرم

به غمش مبتلاست

پدر ما چه شد؟ گل زهرا چه شد؟

ای که خوش تاختی

سوی میدان عشق

در کجا مانده است؟

تن سلطان عشق

ای فرس از چه رو

تو به تاب و تبی

پدر من چه شد؟

یا جَواد اَبی

کاکل تو به خون

از چه آغشته شد

گوئیا ای فرس

پدرم کشته شد

ز تماشای تو

گشته معلوم من

تشنه جان داده است

باب مظلوم من

پدر ما چه شد؟ گل زهرا چه شد؟

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۲۷

زبان حال حضرت سکینه سلام الله علیها – غروب عاشورا

.Your browser does not support the audio tag

قافله سالار بلا که مرا می بری

از سر جسم پدرم به کجا می بری

چه کنم با دلم، مانده این جا دلم

یا حسین، یا حسین

سینه ی سوزان مرا تو نمک می زنی

عمه ی مظلوم مرا تو کتک می زنی

عمه ام را مزن، که بود جان من

یا حسین، یا حسین

ای تن پاکت به زمین به سر نی سرت

ظلمت شب چون برسد چه کند دخترت

من خونین جگر، می روم در سفر

یا حسین، یا حسین

ص: ۱۲۸

نوحه حضرت سجاد علیه السلام – امام حرمین

.Your browser does not support the audio tag

منم شمع غریبان که پروانه ندارم

به جز شعله آه غریبانه ندارم

امام حرمینم، گل باغ حسینم

من آن طایر قدس شکسته پر و بالم

که این حلقه زنجیر کند گریه به حالم

الهی تو گواهی ز شام غم و غربت

من و عمه چه دیدیم در این راه اسارت

من لاله تبدار ز باغ شهدایم

اگر بسته دو دستم بزرگ اُسرایم

ندارد خبر از من کسی غیر خدایم

چه ها با دل من کرد غم شام بلایم

از آن دم که رسیدم به دروازه ساعات

چه دیدیم و شنیدم من و عمه سادات

نشان بود ز نیزه به بازوی یتیمان

ز سیلی همه نیلی گل روی یتیمان

امام حرمینم، گل باغ حسینم

استاد محمد نعیمی

ص: ۱۲۹

نوحه حضرت سجاد علیه السلام – امام عابدین

.Your browser does not support the audio tag

من جسم قرآن پاره پاره دیدم

بر نوک نی هجده ستاره دیدم

امام عابدین منم، سید ساجدین منم، داد از غریبی

ای شامیان این سوز اشک و آهم

من زائر گودال قتلگاهم

من جسم بی سر دیده ام، گلهای پرپر دیده ام، داد از غریبی

محکم تر این زنجیر را ببندید

اما به اشک عمه ام نخندید

سنگم همه بر سر زنید، زخم زبان کمتر زنید داد از غریبی

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۳۰

نوحه حضرت سجاد علیه السلام – بلور اشک

ای بلور اشک تو چلچراغ آسمان

از تو شد خاک بقیع کربلای شیعیان

ای گل تبدار باغ فاطمه، از غمت شد تازه داغ فاطمه

یا علی ابن الحسین

ای که محراب دعا از تو دارد آبرو

بعد بابا اشک غم بر تو شد آب وضو

ای عبادت از دعایت سرفراز _ ای عروج تو به محراب نماز

یا علی ابن الحسین

بعد بابا اشک تو همدم پروانه بود

یاد گلهای خزان خانه ات غم خانه بود

هر کجا شش ماهه بود و موج آب _ یاد اصغر کردی و اشک رباب

یا علی ابن الحسین

با همان دستی که بر مادرت زهرا زدند

تازیانه پیش تو بر تن گلها زدند

تو بروی ناقه دَستت بسته بود _ چون علی آه دلت آهسته بود

یا علی ابن الحسین

استاد محمد نعیمی

ص: ۱۳۱

نوحه حضرت سجاد علیه السلام – آخرین گل

.Your browser does not support the audio tag

من که شرح مشروح باغ کربلا هستم

آخرین گل سرخ باغ کربلا هستم

نیمه جان و دل خسته، داغدار و پر بسته

یا حسین اباالمظلوم

دست من به زنجیر و روی عمه شد نیلی

زنده شد برای من داغ کوچه و سیلی

من هم از علی بابت ای پدر نشان دارم

روی گردنم چون او زخم ریسمان دارم

نیمه جان و دل خسته، داغدار و پر بسته

یا حسین اباالمظلوم

استاد حاج رضا مافی

ص: ۱۳۲

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – کوه درد

.Your browser does not support the audio tag

می چکد خون دل از آه من

این طبق شد زیارتگاه من

شام هجرانم سر آمد

میهمانم با سر آمد

عمه جان زینب کجایی

ماه من از درد در آمد

یا ابتا یا ابتا

مانده در سینه ام کوه دردی

کرده ام با عمه کوچه گردی

هر کجا اشکم بدیدند

سوی طفلت می دویدند

جملگی با تازیانه

ناز من را می خریدند

یا ابتا یا ابتا

شد پریشان موی خم در خمم

رو به پایان آمد عمر کمم

ای تمام بود و هستم

در غمت از پا نشستم

گر پریشان مانده مویم

شانه می افتد ز دستم

یا ابتا یا ابتا

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۳۳

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – کعب نی

.Your browser does not support the audio tag

عمرم طی شده و مرگ من ز پی است

بر این پیکر من جای کعب نی است

در زیر آسمان به خدا دیده ای ندیده

طفل سه ساله ای که شود قامتش خمیده

یا ابتا یا ابتا

لعل لب بگشا نازم را تو بخر

در ویرانه بمان یا من را تو ببر

تو سر بسته ز من بشنو ای تمام هستم

گر من را ببری عمه راحت شود ز دستم

یا ابتا یا ابتا

از چشم تر من دیگر رفته رمق

می گردم به دو دست من دنبال طبق

گرچه سه ساله ام غم داغ تو کرده پیرم

بابا لب بگشا تو دعا کن که من بمیرم

یا ابتا یا ابتا

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۳۴

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – ای سفر کرده

Your browser does not support the audio tag.

ای سفر کرده که صد قافله دل همره توست

این همه زخم چرا بر روی هم چون مه توست

ابتا یا ابتا

دست پیش آورم و جامه به تن چاک کنم

تا که اشک از رخ نورانی تو پاک کنم

شعله بیدادگران بر پر پروانه زدند

همه با سنگ جفا موی مرا شانه زدند

شامیان یکسره بر گریه ما خندیدند

پای آوازه قرآن سرت رقصیدند

گلشن وحی خزان گشته گل یاس کجاست

ساقی تشنه لبان حضرت عباس کجاست؟

خاک ویرانه کجا و شجر طور کجا نور

شب تاریک کجا و طبق کجا

ابتا یا ابتا

استاد حاج غلامرضا سازگار

ص: ۱۳۵

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – ب_وی گ_ل

Your browser does not support the audio tag.

آمدی در جمع ما ویرانه بوی گل گرفت

آمدی بام و در این خانه بوی گل گرفت

آن شب قدری که شمع جمع مشتاقان شدی

تا سحر خاکستر پروانه بوی گل گرفت

خـانه بوی گل گرفت

ویرانه بوی گل گرفت

من که با افسون گفتار تو می رفتم به خواب

از لبت گل ریختی افسانه بوی گل گرفت

گرچه لبهای تو را بوسید جام شوکران

از نگاهت ساغر و پیمانه بوی گل گرفت

خـانه بوی گل گرفت

ویرانه بوی گل گرفت

پرده از آن حسن یوسف چون گرفتی خاطرم

بوی ریحان بهشتی یا نه بوی گل گرفت

بر سرم دست نوازش تا کشیدی چون نسیم

گیسویم عطر محبت شانه بوی گل گرفت

خـانه بوی گل گرفت

ویرانه بوی گل گرفت

استاد شفق

ص: ۱۳۶

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – ویرانه نشین

.Your browser does not support the audio tag

تو باغبانی من نیلوفرت هستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

ای بهتر از جان من ــ هستی تو مهمان من ــ بنشین روی دامان من

بابا حسین جانم بابا حسین جانم

من شاهد چشم از خون ترت هستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

ای شام من را سحر ــ رویت چو قرص قمر ــ با خود تو من را ببر

بابا حسین جانم بابا حسین جانم

امشب من از عطر گیسوی تو مستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

ای ماه خاکستری ــ ناز مرا می خری ــ امشب مرا می بری

بابا حسین جانم بابا حسین جانم

باور ندارم من پیش تو نشستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

قربان چشم ترت ــ گو پاسخ دخترت ــ از چه شکسته سرت

بابا حسین جانم بابا حسین جانم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۳۷

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – مانند نی

با اشک چشم طفلان، ویرانه شد چراغان

عمه بیا تماشا، زره رسیده مهمان

یا ابتا حسین جان (۴)

بگو سر بریده، در این عالم که دیده

سه ساله دختری را، با قامت خمیده

صید بشکسته بالم، مانند نی بنالم

بستم بار سفر را، ای عمه کن حلالم

کرده غم تو پیرم، از لبت بوسه گیرم

بگشا لب پر از خون، دعا کن من بمیرم

در شور و در نوایم، من افتاده ز پایم

هنگام راه رفتن، عمه شود عصایم

یا ابتا حسین جان یا ابتا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – لب_های کب_ود

آمد ز ره جانه ام، شد دیدنی ویرانه ام

از روی او بوسه بگیرم، دورش بگردم و بمیرم

بابا حسین بابا حسین جان

مهمان من قرآن بخوان، که من ندارم خیزران

تو قبله ای من در سجودت، قربان لبهای کبودت

بابا حسین بابا حسین جان

چشمان خود بستی چرا، خاکستری هستی چرا

ای روی دامانم نشسته، ای سر چرا سرت شکسته

بابا حسین بابا حسین جان

ای سر بقربان سرت، چه شد امیر لشکرت

تا روی نیلی را ببیند، تا جای سیلی را ببیند

بابا حسین بابا حسین جان

ای روی تو آیات نور، آمدی از کنج تنور

ای سر چرا پیکر نداری، انگشت و انگشتر نداری

بابا حسین بابا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – راه_ی سف_ر

ای عمه پدر آمد

هنگام سحر آمد

آن یار سفر کرده

امشب ز سفر آمد

ای عمه حلالم کن ای عمه حلالم کن

ای عمه غریبانه

در گوشه ویرانه

جمعند بدور هم

شمع و گل و پروانه

ای عمه ز جان سیرم

من طفل زمین گیرم

بوسه ز لب بابا

می گیرم و می میرم

دیده ز جهان بستم

راحت شدی از دستم

ای عمه خداحافظ

راهی سفر هستم

غم آمده پی در پی

عمر کم من شد طی

شد شام وداع من

با سیلی و کعب نی

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۴۰

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – شمع و پروانه

.Your browser does not support the audio tag

ای پدر من عاشق آن رخ ماه توام

تا بیایی از سفر چشم بر راه توام

ای پدر تو شمع و من پروانه ام

یابن الزهرا یا حسین (۲)

کودکی افسرده ام غصه هایم بی شمار

پای من پُر آبله است بس دویدم روی خار

ای پدر تو شمع و من پروانه ام

یابن الزهرا یا حسین (۲)

ای پدرجان سهم من غصه و غم گشته است

هم چو زهرا مادرت قد من خم گشته است

ای پدر تو شمع و من پروانه ام

یابن الزهرا یا حسین (۲)

استاد حاج احمد واعظی

ص: ۱۴۱

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – مهمانم آمد

آمده از ره جانانه من

دارد تماشا ویرانه من

بابا حسین جانبابا حسین جان

عمه کجایی آمد مهمانم

مهمان نشسته روی دامانم

از لبت بوسه می گیرم امشب

پای سر تو می میرم امشب

از سفر بابا دیری آمد تو

دیدن طفل پیر آمدی تو

بابا حسین جانبابا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – آتش هجران

ای عزیز فاطمه لب گشا نازم بخر

یا در این ویران بمان یا مرا همره ببر

شام هجران شد سحر ای پدر جان ای پدر

اشک من ویرانه را هم چو دریا می کند

هر که بیند روی تن یاد زهرا می کند

آتش هجران همه بود و هستم را گرفت

وقت ره رفتن پدر عمه دستم را گرفت

دیده بگشا و ببین با قدهم چون کمان

بوسه باران می کند جای چوب خیزران

از نفس افتاد این طایر بشکسته بال

عمه جان زینب بیا کن حلالم کن حلال

شام هجران شد سحر ای پدر جان ای پدر

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – شرح سوز عطش

.Your browser does not support the audio tag

شده وقت هجران حلالم کنید

الا ای یتیمان حلالم کنید

خرابه نشینان حلالم کنید

ز ویرانه با چشم تر می روم

سحر مثل مرغ سحر می روم

من امشب دگر با پدر می روم

در این شام ویران حلالم کنید

کلام برادر برادر شده

دل خسته ام تنگ اصغر شده

شنی_دم که این لاله پرپر ش_ده

دهم در غمش جان حلالم کنید

اگر امشب از این قفس پر زنم

بسوی جنان بال دیگر زنم

روم بوسه بر ف_رق اکبر زن_م

به آن جان جانان حلالم کنید

شوم راحت امشب ز دست عدو

زنم بوسه بر هر دو دست عَمو

دهم شرح سوز عطش مو به مو

به سقای طفلان حلالم کنید

ص: ۱۴۴

خداحافظ ای نازنین لاله ها

خداحافظ ای اشک ها ناله ها

خداحافظ ای نیلگون ژاله ها

گلان گلستان حلالم کنید

استاد حاج غلام رضا سازگار

□□□□

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – درد و دل

ویرانه پر شد از آه و ناله

نوحه خوانی می کند طفل سه ساله

بابا حسین جان

امشب خرابه گردیده گلشن

عمه کجایی چشم تو روشن

مهمان به ویران شد چشمه نور

یوسف من آمده از چاه تنور

بابا حسین جان

دیگر نمانده در پایم رمق

با دستم آیم به سوی طبق

نیلوفری شد بابا وجودم

یاس تو بودم ولی حالا کبودم

بابا حسین جان

شکوه ندارم از دست بسته

دانم ز دستم شد عمه خسته

بار غم من کشد به شانه

جای من خورده ز دشمن تازیانه

بابا حسین جان

استاد میثم مؤمن نژاد

□□□□

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – رخ فاطمه

ز اشک من و طفلان، چراغان شده ویران

بیا عمه کمک کن، زره آمده طفلان

شبم را سحر آمد

پ_در از سف_ر آمد

به لب زمزمه آمد، امید همه آمد

مرا دید و به یادش، رخ فاطمه آمد

شده فصل خزانم، به لب آمده جانم

روی دامنم امشب، تو را من بنشانم

تویی ماه منیرم، ز تو بوسه بگیرم

ز لب های پر از خون، دعا کن که بمیرم

چو بلبل به نوایم، ببین قد دو تایم

روم راه ولیکن، شود عمه عصایم

شبم را سحر آمد

پـــدر از سفـــر آمد

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – سَحرم آمد

اشک من چو باران، می چکد به دامان

کرده ام چراغان، که از سفر رسیده مهمان

رنگ من پریده، قد من خمیده

ای سر بریده خوش آمدی به کنج ویران

سرتا به پا پا تا به سر تمام دردم

عمه کمک کن تا که من دورش بگردم

بابا حسین بابا حسینبابا حسین جان

سحرم خوش آمد قمرم خوش آمد

پدرم خوش آمد من بوسه از رویش بگیرم

من به جستجویم گرم گفتگویم

باشد آرزویم، امشب کنار او بمیرم

ای قاری عمه لبت چون ارغوان است

بابا گمانم جای چوب خیزران است

بابا حسین بابا حسینبابا حسین جان

من به پیچ و تابم ای تو آفتابم

تو بگو جوابم ای سر چرا سرت شکسته

من که بسته ام لب ای عزیز زینب

آمدم من امشب سوی طبق اما نشسته

بابا تماشا کن سه ساله دختر تو

ره می رود مانند زهرا مادر تو

بابا حسین بابا حسینبابا حسین جان

استاد سید محسن حسینی

زبان حال حضرت رقیه سلام الله علیها – حج سه ساله

ویرانه من امشب بود تماشایی

به آسمان آمد ماه دل آرایی

با اشک دانه دانه خود گل برافشانم

عمه کمک کن تا بگردم دور مهمانم

بابا حسین جانمبابا حسین جانم

ببین که در احرام شرم و عِفافم من

به دور تو ای کعبه گرم طوافم من

لب های تو مثل حجر بوسیدنی باشد

حج سه ساله دختر تو دیدنی باشد

بابا حسین جانمبابا حسین جانم

مگر که قهری با من که لب فرو بستی

چرا تو ای ماه من خاکستری هستی

بابا چرا لب های تو چون ارغوان باشد

بابا گمانم جای چوب خیزران باشد

بابا حسین جانمبابا حسین جانم

اگر چه طفلم اما ز جان خود سیرم

با این دل ویران در ویرانه می میرم

عمه حلالم کن که من بار سفر بستم

ای عمه جان راحت شدی آخر تو از دستم

بابا حسین جانمبابا حسین جانم

استاد سید محسن حسینی

ص: ۱۴۸

نوحه حضرت رقیه سلام الله علیها – پیش بابا

.Your browser does not support the audio tag

ای اسیران عمه را یاری کنید

جای او بر من عزاداری کنید

من از این جا می روم، پیش بابا می روم

می روم تا دور اکبر پر زنم

بوسه بر پیشانی اصغر زنم

تا محمد خنده بر رویم زند

فاطمه شانه به گیسویم زند

گریه دور پیکر پاکم کنید

در همین ویران سرا خاکم کنید

بسته امشب می شود پرونده ام

تا ابد از عمه ام شرمنده ام

من از این جا می روم، پیش بابا می روم

استاد حاج غلام رضا سازگار

ص: ۱۴۹

زبان حـال اربعیـن

از آن ترسم همه هستی بسوزد از شرار آهم

من دل خون من دل خون به هر طرف بود نگاهم

کو لاله های پرپر من

کو تربت برادر من

حسین حسین حسین حسین جان

گهی سوزم گهی نالم به یاد غربت حسینم

زیارت نامه می خوانم کنار تربت حسینم

ماه تمام من کجایی

که مردم آخر از جدایی

حسین حسین حسین حسین جان

کجایی ای مسیحایم که من سراپا رنج و دردم

ببین شمع دل افروزم من آمدم دورت بگردم

خیز و ببین قد کمانم

برای قبرت سایبانم

حسین حسین حسین حسین جان

به باغ دل به باغ دل برای من چون گل یاسی

از آن ترسم از آن ترسم که خواهرت را نشناسی

به کوفه و شامم کشاندی

ببین به چه روزم نشاندی

حسین حسین حسین حسین جان

استاد محسن حسینی

آین_ه خ_دا

.Your browser does not support the audio tag

آینه خدا شدی

زینب ای زینب

شاهد کربلا شدی زینب ای زینب

همسفر بلا شدی زینب ای زینب

در سفر کرببلا با حسین خود

یکدل و یک صدا شدی زینب ای زینب

روز نخست تا بر او یک نظر کردی

عاشق و مبتلا شدی زینب ای زینب

وقت وداع آخرت با تن بی سر

شعله نینوا شدی زینب ای زینب

خاطره در خاطره از داغ دل داری

شاهد لاله ها شدی زینب ای زینب

در ره شام و کوفه با کاروان غم

مشعل کربلا شدی زینب ای زینب

باغ به خون نشسته شد چشمه چشمت

کز گل خود جدا شدی زینب ای زینب

رفتی و دل رضا نشد ای گل زهرا

چشم تو بر قفا شدی زینب ای زینب

امّ مصائبی ولی، تا غمی آمد

سنگ صبور ما شدی زینب ای زینب

شعله زبانه می کشد از غمت در دل

تا به دل آشنا شدی زینب ای زینب

آینه خدا شدی

زینب ای زینب

استاد جعفر رسول زاده (آشفته)

ص: ۱۵۱

ام_ان از دل زینب سلام الله علیها

.Your browser does not support the audio tag

میان همه دل ها

امان از دل زینب

حسین ای که بپا شد قیامت ز قیامت

شرفنامه خون را نوشتند به نامت

من و سعی مداوم در ابلاغ پیامت

دعا کن که شهادت _ شود شامل زینب

به پابوس تو آمد سفر کرده کویت

به قربان صفای دل عاطفه جویت

به یک بوسه که آنروز زدم زیر گلویت

گرفت از تو طراوت ــ بهار دل زینب

اگر باغ گلم رفت به تاراج و به غارت

اگر سنگ ستم کرد به آیینه جسارت

مرا برد به هر سوی اگر موج اسارت

ولی در دل دریا تویی ساحل زینب

بدون تو چهل روز به جز تا و تبم نیست

به جز جلوه رویت کسی ماه شبم نیست

چو گل در همه عصر تبسّم به لبم نیست

که زد خیمه غم تو در آب و گل زینب

اگر خانه بدوشم اگر لاله بدستم

از اول همه دیدند که حیران تو هستم

من از عشق دو عالم فقط دل به تو بستم

خوش آمد غم عشقت به سر منزل زینب

میان همه دل ها

امان از دل زینب

استاد شفق

ص: ۱۵۲

احـرام اسـارت

عزیز دل زینب

همه حاصل زینب

به قبر تو رسیده

کنون محمل زینب

در احرام اسارت

کنم از تو زیارت

ز هجر تو خمیدم

به کوی تو رسیدم

چهل روزه بی تو

چه دیدم چه شنیدم

گهی کوفه گهی شام

گهی در ملاء عام

به کفهای همه سنگ

به لبها همه دشنام

دلم غرق ملال است

قدم هم چو هلال است

گذشته شب هجران

دگر روز وصال است

در احرام اسارت

کنم از تو زیارت

رخت جلوه حق بود

لبت رنگ شفق بود

سرت گه به سر نی

گهی بین طبق بود

استاد جعفر رسول زاده (آشفته)

ص: ۱۵۳

سرزمی_ن کرب_لا

Your browser does not support the audio tag.

منزل مکن در کربلا عمه جان زینب

زین سرزمین خیزد بلا عمه جان زینب

اندیشه دارم زین زمین بس جوان دیدم

در خون خود زد دست و پا عمه جان زینب

در این زمان دیدم که شد نوجوان اکبر

فرقش ز تیغ کین دو تا عمه جان زینب

رفت آورد آب روان عمویم عباس

از تن دو دستش شد جدا عمه جان زینب

پا مال سم اسب کین در صف میدان

شد جسم قاسم توتیا عمه جان زینب

بر دوش بابم شد هدف حنجر اصغر

از تیر ظلم اشقیا عمه جان زینب

استاد مرحوم موزون اصفهانی

ص: ۱۵۴

زی_ارت نام_ه

یا اخا سوغاتی از بازار شام آورده ام

از سه ساله دخترت عرض سلام آورده ام

این چهل روز آتش هجر تو آبم کرده است

صوت قرآنت به نوک نی کبابم کرده است

معجر خاکی من شد جامه احرام من

ثبت شد در بین زوار تو اول نام من

خیز و یکبار دگر بر خواهرت قرآن بخوان

آن چه خواندی با سرت با حنجر عطشان بخوان

گام در دروازه شام بلا دیدم تو را

گه به زیر چوب در طشت طلا دیدم تو را

ای عزیز فاطمه دستی برون از خاک کن

اشک چشم خواهر مظلومه ات را پاک کن

کوفیان رگ های قلبم را زهم بگسیختند

شامیان از بام خاکستر به فرقم ریختند

یابن زهرا یا حسین، واحسینا وا حسین

استاد جعفر رسول زاده (آشفته)

زی_ارت نام_ه

من زینب سرگشته ام، از کربلا برگشته ام

ای همسفر بگو کجایی، می میرم آخر از جدایی

ای یار خونین جامه ام، بشنو زیارت نامه ام

خیر و ببین ای بی قرینه، دست ادب دارم به سینه

حسین بی سرم چه شد، عزیز مادرم چه شد

کجایی ای ماه تمامم، حسین من بشنو سلامم

ای علقمه کو یاس من، کو تربت عباس من

ای علقمه کو هست سقا، کو مشک و کو دو دست سقا

تا هستم و تا زنده ام، از روی تو شرمنده ام

ای باغبان بگو ز لاله، میرسی از حال سه ساله

دارم من از ویران سخن، ای بی کفن کردم کفن

جسم سه ساله دخترت را، دختر چون نیلوفرت را

خیز و ببین ای همسفر، آورده ام خون جگر

دیدی تو با دلم چه کردی، زینب کجا و کوچه گردی

مظلوم حسین مظلوم حسین جان

استاد سید محسن حسین

دل تن_گ

می چکد خون جگر از آهَم

شده قبر تو زیارتگاهم

دل کشد سوی توام

زائر کوی توام

لاله ی پرپر من _ سید و سرور من

طعنه بر این دل تنگم زده اند

نام تو بردم و سنگم زده اند

من فتادم ز نفس

یا حسین گفتم و بس

لاله ی پرپر من _ سید و سرور من

من خزانی گل لاله دیدم

داغ زهرای سه ساله دیدم

تو ز ویرانه مپرس

غم دردانه مپرس

لاله ی پرپر من _ سید و سرور من

بال و پرهای تُرا بشکستندچون علی دست تُرا هم بستند

شد مرا فصل خزان

قامتم گشته کمان

لاله ی پرپر من ــ سید و سرور من

بوسه از قبر تو می گیرم من

آخر از داغ تو می میرم من

یابن الزهرا بنگر

زینب آمد ز سفر

لاله ی پرپر من ــ سید و سرور من

استاد سید محسن حسینی

باغ خزان

بوی گل آید به مشام مگر این جا کجاست

باغ خزانی شده عترت مصطفی ست

کربلای غم است، وادی ماتم است،

واحسینا واحسین

قافله در سوز و گداز پرده دار غمند

خیل مصیبت زدگان عترت ماتمند

بزم عزا چیده شده روضه خوان زینب است

خون بدل دیده او غصه ها بر لب است

یوسف صد پاره تنم پسر مادرم

پیرهنی از غم تو سوی کنعان برم

گل سرخ منی، تو که خونین تنی،

واحسینا واحسین

بی تو سفر کردم و غم منزلم یا حسین

یاد تو شد روشنی محملم یا حسین

بی تو چهل روز غمم شد صد اربعین

ماندم و شد همدم من ناله آتشین

تو سرت برسنان، من دلم خون فشان،

واحسینا واحسین

استاد جعفر رسول زاده (آشفته)

جابـر و عطیّـه

جابرم جابرم ز راه دور آمدم

زائر تربت عزیز زهرا شدم

یا حبیبی و علیک السلام

کشتـه بی کفن تشنه کام

سیدی حسین جان

یا حبیبی حسین پیر غلامت منم

آن که جان داده از شوق سلامت منم

مـن به قـربان تـــن اطهـرت

در کجا خفته به خون پیکرت

سیدی حسین جان

ای فرات غمت زمزم میقات من

نام دلجوی تو عطر مناجات من

محرم حج و منایت شدم

زائر کـرب و بلایت شدم

سیدی حسین جان

گرچه چشمی نمانده تا نگاهت کنم

جان مصفا ز خاک باصفایت کنم

گل خونین بدن فاطمه

کشته بی کفــن فاطمه

سیدی حسین جان

استاد جعفر رسول زاده (آشفته)

نوحـه اربعیـن

ای کربلا من با تو به گفتگو هستم

با این دو چشم پر خون به جستجو هستم

ای کربلا با من بگو ماه تمامم کو

ای کربلا با من بگو قبر امامم کو

مظلوم حسین جانممظلوم حسین جانم

من زائر قبر تو هستم حسین جانم

ببین به سینه باشد دستم حسین جانم

خون شد دلم ای یار خونین جامه زینب

ای یار من بشنو زیارت نامه زینب

مظلوم حسین جانممظلوم حسین جانم

بپرسی ای شمع من ز حال ویرانه

میرسی از من حال دختر دردانه

دیدم به چشم پر زخون چشمش گهربار است

دیدم به مثل مادرم دستش به دیوار است

مظلوم حسین جانممظلوم حسین جانم

ای علقمه سقای آب آور ما کو

بگو بگو با زینب دلاور ما کو

ای علقمه با من بگو کو شاخه یاسم

خیلی دلم تنگ بگو کو قبر عباسم

مظلوم حسین جانممظلوم حسین جانم

استاد سید محسن حسینی

همسفر زینب سلام الله علیها

.Your browser does not support the audio tag

ای همسفر زینب، زینب ز سفر آمد

با اشک بصر رفت و با خون جگر آمد

آه، همسفر من، برادر من، مظلوم حسین جان (۲)

با رفتن تو رفته هستی من از دستم

تو در یَم خون خفتی من بار سفر بستم

ره توشه ی زینب شد خاک سر کوی تو

رخساره تو شستم از خون گلوی تو

آن شب که پی طفلت پیمودم و گردیدم

هم طفل تو را دیدم هم فاطمه را دیدم

از کربلا تا شام، من همسفرت بودم

تو پیش رویم بودی من دور سرت بودم

آه، همسفر من، برادر من، مظلوم حسین جان (۲)

استاد حاج غلام رضا سازگار

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹